

# راه توده

شبه‌مجله‌ای حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۶ آبان ۱۳۱۲ مطابق  
۱۸ اکتبر ۱۹۸۳  
سال دوم، شماره ۶۵  
پهنا: ۴۰ سانتی‌متر

## خطر امپریالیسم آمریکا برای منطقه حتمی و جدی است!

آمریکا، هجوم افسار گسیخته و همه سویه خود را گسترش می‌بخشد. در هفته گذشته، آهنگ اعمال سیاستهای تجاوزگرانه و تشنج فزاینده آمریکا در جهان، شتاب کم سابقه‌ای یافت. پورش‌های بی‌محابا و حساب شده امپریالیسم آمریکا، به مناطقی که امکان تجاوز و تشنج در آنها را از پیش، تدارک دیده بود، از این واقعیت خبر می‌دهد که آمریکا برای "باز پس گرفتن مواضع از دست رفته" شمارش معکوس خود را آغاز کرده است:

در جهان:

— حاکمیت انقلابی نیکاراگوئه را تهدید می‌کند؛

— در گرنادا، ۲۰۰۰۰ تنگدار نظامی با پشتیبانی آتشبار توپخانه نیروی دریایی خود، پیاده می‌کند؛

— کارزار تبلیغاتی گسترده‌ای علیه نیروهای شرکت‌کننده در "جنبش صلح" — که در این هفته، سراسر اروپا و آمریکا را به لرزه در آورد — برآه می‌اندازد؛

بقیه در صفحه ۷

## ادامه جنگ و تشدید بحران در منطقه در خدمت تقویت امپریالیسم و ارتجاع!

سخنگوی شورای عالی دفاع، پس از اتمام جلسه ۱۸ مهر این شورا، در گفتگویی با خبرنگاران اعلام کرد:

"... سیاست ما در شورای عالی دفاع و خدمت امام از اول اینطور ترسیم شد ... (اطلاعات، ۱۹ مهر)"

یعنی، می‌توان "سیاستی" را که ما در ادامه مطلب به آن خواهیم پرداخت، به مثابه چکیده تفکر برپای "این شورا و نتیجه" خسرد جمعی "آن به شمار آورد، نه اظهار نظر شخصی ... به عبارت دیگر آنچه آقای سخنگو بر زبان می‌آورد، جوهر اندیشه حاکم بر حاکمیت چ ۱۰-۱۰ است."

آقای سخنگو، در گفتگوی خود، پس از اینکه فروش هواپیماهای "سوپر اتاندارد" را توسط فرانسه به عراق "در مرحله فطی یک حرکت تبلیغی" اعلام می‌دارد و تلویحا از مردمی طلبد که بد به دل راه ندهند، اعتراف می‌کند، که "البته این معنایش این نیست، که در مرحله بعدی امکان اینکه این تهدید عملی شود (و مشکلاتی از گروست توسط این هواپیماها به مراکز نفتی ما ضربه وارد کند)، وجود ندارد ... به این ترتیب برای "شورای عالی دفاع" خطر حمله موشکی به مراکز نفتی ایران قابل درک و لمس است!

و اما آن "سیاستی ... که از اول اینطور بقیه در صفحه ۴

### از "نوید"، پیام‌آموزیم!

## سیر و سرگذشت سازمان زیرزمینی "نوید"، در سالهای دشوار اختناق و سرکوب

صفحه ۸

## "انقلاب فرهنگی"، ارتجاع، جانشین "سیاست فرهنگی"، امپریالیسم

اما احترام به مذهب مسئله‌ایست و ایستادگی و افشاگری در برابر جنایات سیاسی و اجتماعی زورگویان و جاهلان بنام مذهب، مسئله‌ای دیگر. با تسلیم مفاشاتگرایان به راستگرایان، اینک در میهن ما حاکمیتی فرمانروایی می‌کند که زیرپوشش مذهب، به هر جنایتی دست می‌یازد و با تجاوز به ابتدائی‌ترین حقوق زنان و مردان و بسزوری بپردازد و بازداشت قرار نگرفته است.

کمونست‌ها و از جمله ما کمونست‌های ایرانی به مذهب و باورهای مذهبی خود هیچ‌یک از مردم احترام می‌گذاریم. احزاب کمونست، احزاب سیاسی هستند و نه احزاب ضد مذهبی. تا بحال در هیچ‌یک از کشورهای سوسیالیستی، هیچ‌کس به گناه داشتن عقاید مذهبی و یا اجرای مراسم دینی تحت پیگرد و بازداشت قرار نگرفته است.

بقیه در صفحه ۶

## آقای وزیر کار، در حرف، مدافع تشکل، و در عمل، ضد تشکل است

صفحه ۱۰

## سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه حکومت را علیه حزب توده ایران محکوم نمود

جنایات حاکمیت چ ۱۰-۱۰ در دهلی نو برگزار نمود. ریاست جلسه را اسقف مترقی، پائولوف مارگریگوریاس بعهده داشت و تنی چند از بقیه در صفحه ۲

"سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان" روز بیست و هشتم سپتامبر (۶ مهرماه)، جلسه‌ای با شکوهی به مناسبت بررسی رویدادهای اخیر ایران و افشای

## پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

# دفاع از توده‌ای‌های دربند، همچنان در دستور روز وظایف سازمانها و کانونهای مترقی و پیشرو قرار دارد!

## هندوستان

● کمیته مرکزی حزب کمونیست هند وستان (مارکسیست) در پایان جلسه خود که از تاریخ ۲۵ تا شانزدهم سپتامبر (۱۹ تا ۲۵ شهریور) در دهلی نو برگزار گردید، از جمله همبستگی خود را با زندانیان توده‌های و کلیه دمکراتهای دربند اعلام نموده، پایان بخشیدن به تظییقات علیه آنان را خواستار شده است.

● شورای ملی سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان در خانه جلسه خود به تاریخ چهاردهم سپتامبر (۲۳ شهریور) در دهلی نو، قطعنامه‌های صادر کرده در آن ضمن محکوم کردن شکنجه و آزار میهن پرستان، نیروها و سازمانهای مترقی و ضد امپریالیست، این اعمال را علیه منافع مردم ایران ارزیابی می‌کند. "شورا" همچنین خواهان آزادی فوری کلیه مبارزینی که در خط مقدم جبهه مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه قرار داشته و به خاطر استقرار صلح و عدالت اجتماعی رزمید هاند، شده است.

● در ماههای گذشته، دمکراتهای شهروچین واقع در ایالت مادیار پراش، به اقدامات اعتراضی وسیعی، علیه بازداشت و شکنجه اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای مترقی دست زده‌اند. از جمله انجمن کارکنان بیمه، "فدراسیون جوانان هند"، "اتحاد پسه کارگران"، وابسته به کنگره سراسری، اتحادیه های کارگران هند، "شورای اتحادیه کارگران" دبیرخانه عمومی "اتحادیه کارگران و کارمندان" و شعبه حزب کمونیست در این شهر، طی صدور اعلامیه‌هایی بطور جداگانه خواستار خاتمه بخشیدن به تظییقات و فشار علیه حزب توده ایران و دیگر سازمانهای مترقی، قطع شکنجه زندانیان، اجازه ورود به هیأتی بی طرف، متشکل از پزشکان و حقوقدانان، جهت بررسی وضع آنان و تشکیل دادگاههای علنی، مطابق با موازین حقوق بین المللی گردیده‌اند.

● "انجمن نویسندگان مترقی بیوپال، واقع در ایالت مادیار پراش، ضمن ابراز تأسف و تأسیر شدید خود، از خبر بازداشت و شکنجه اعضای حزب توده ایران و سایر دمکراتها و بویژه شعرا و نویسندگان برجسته ایران، اعمال روش های غیر انسانی حکومت جمهوری اسلامی را در مورد زندانیان بشدت محکوم کرده و از دولت هندوستان درخواست نموده است، نسبت به

این اعمال اعتراض کند و احساسات همبستگی "انجمن" را به مردم ایران ابلاغ نماید.

● گروهی از وکلای مترقی دادگاه عالی هندوستان، نامه سرگشاده‌ای خطاب به مقامات



ج ۰۱۰۱ و افکار عمومی بین المللی انتشار داد ماند که طی آن نسبت به بازداشت و شکنجه مبارزین ضد امپریالیست در ایران، و به ویژه اعضای حزب توده ایران، شدیدا اعتراض نمود هاند و مسئولین مملکتی را به رعایت موازین حقوق بشر فرا خواند هاند.

آنان ضمن مطرح کردن خواست های خود، مبنی بر رعایت حقوق دمکراتیک مردم ایسران، انتشار لیست کامل زندانیان و بر شمردن "اتهامات" یک يك آنان از طرف حکومت ج ۰۱۰، بر امر تشکیل دادگاههای علنی، طبق موازین حقوق بین المللی برای زندانیان تأکید ورزیده و خاطر نشان ساخته‌اند که در صورت تحقق این امر، با خوشنودی کامل، دفاع از برادران ایرانی خود را بعهده خواهند گرفت.

## سوئد

روزنامه "نورشنس فلامان"، ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد، در سرمقاله روز سوم اکتبر (یازدهم مهرماه) درباره اوضاع ایران، به جو ترور و خفقان حاکم بر میهن ما اشاره کرده، پس از درج مفصل تاریخچه تأسیس و مبارزات حزب توده ایران، به بازداشتهای اخیر و بقیه در صفحه ۳

## سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه حکومت را علیه حزب توده ایران محکوم نمود

بقیه از صفحه ۱ شخصیتهای بنام این کشور، از جمله معاون کمیته بنیاد دانشگاههای هند، وکیل دادگاه عالی هندوستان و دبیر اول انجمن وکلای هند و نیز یکی از استادان دانشگاه جواهر لعل نهرو به تشریح اوضاع ایران، گردش به راست حاکمیت ج ۰۱۰ و پایمال نمودن دستاورد های انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران، پرداخته اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه حکومت را علیه حزب توده ایران، اعضای آن و سایر دمکراتهای دربند محکوم نمودند.

شرکت کنندگان در جلسه، پس از استماع سخنان گویندگان و بحث در این زمینه، با توافق آراء، قطعنامه‌ای تصویب رساندند که متن آن چنین است:

"بدینوسیله، نگرانی جدی خود را در مورد جریانات اخیر ایران ابراز داشته، اعمال سر-

حکومت ج ۰۱۰ را علیه مدافعین راستین انقلاب و حقوق حقه زحمتکشان، محکوم می‌نمایم. نیروهای مترقی و ضد امپریالیست و بویژه اعضای حزب توده ایران در زندان های حکومت ایران، تحت شکنجه و آزار و در سخت ترین شرایط پسر می‌برند.

ما معتقدیم، که این اعمال، تنها مایسه خوشنودی نیروهای است که بخاطر استقرار مجدد نفوذ امپریالیسم و نابودی انقلاب ایران تلاش می‌کنند و از اینرو خواستار آزادی فوری کلیه دمکراتهای زندانی و رفع تظییقات بر علیه آنان هستیم.

با کوشش روح همبستگی بین المللی جان زندانیان ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

## دفاع از توده‌ای‌های دریند، همچنان در دستور روز وظایف سازمانها و کانونهای مترقی و پیشرو قرار دارد!

بقیه از صفحه ۲

آنان و نیز ناقض استقلال و آزادی است و در پایان اعلامیه، طی فراخوانی، از کلیه نیروهای مترقی و دستداران حقوق بشر در فرانسه و جهان خواسته شده است که بمنظور پایمان بخشیدن به پیگرد، بازداشت و شکنجه در ایران و آزادی کلیه زندانیان دمکرات و استقرار آزادی، اقدامات لازم را بعمل آورند.

### اسپانیا

واحد " سازمان آزاد پیشخ فلسطین " در بارسلن، طی ارسال نامه‌ای به نخست وزیر ج ۱۰۱۰، نگرانی شدیدی خود را از اوضاع جاری ایران، که یکی از بزرگترین انقلابات تاریخ معاصر را به ورطه شکست و خیانت به توده‌های میلیونی زحمتکشان میهن ما کشانده است، ابراز داشته است. آزادی بی قید و شرط زندانیان توده‌های، از سر گرفتن فعالیت قانونی حزب توده، ایران و رفع تضییق از کلیه نیروهای ضد امپریالیست را خواستار گردیده است.

رونوشت این نامه، به سفارت ج ۱۰۱۰ در اسپانیا، ارسال گردیده است.

شکنجه‌هایی که در مورد توده‌های و سایر دمکراتهای زندانی اعمال می‌شود، پرداخته است.

در سرمقاله، همچنین باین مطلب اشاره گردیده که دولت ریگان، هم اکنون با رضایت خاطر، ناظر پیگرد و آزار کمونیستها و مبارزین ضد امپریالیست در ایران است.

در این مقاله به قربانی کردن نیروهای مترقی و مدافعین انقلاب و گسترش کارزار ضد کمونیستی و شوروی ستیزی، برای بسط هر چه بیشتر روابط سیاسی و اقتصادی دولت با کشورهای سرمایه داری اشاره شده است.

مقاله در خاتمه، به توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم جهت سرکوب انقلابات آزاد بیخوشش اشاره کرده و بر بی‌ثمر بودن این تلاشها در تحلیل نهائی و پیروزی قطعی نیروهای مردمی، تأکید شده است.

### فرانسه

روزنامه " اومانیته "، ارگان حزب کمونیست فرانسه، در تاریخ هشتم اکتبر، (۱۶ مهر ماه) اقدام به درج اعلامیه " کمیته " دفاع از آزادی و حقوق بشر در فرانسه و جهان، " در مورد ایران نموده است.

در این اعلامیه، نگرانی شدید مردم فرانسه، از دریافت اخبار حاکی از اعمال قانون شکنانه، بی‌حرمتیها و جنایاتی که بصورت روشهای روزمره بر علیه کمونیستها و دمکراتها به اجرا درمی‌آید، ابراز گردیده و تأکید شده است که اینگونه اعمال، بر خلاف منافع مردم ایران و آمال آزادخواهانه

## آقای وزیر کار، در حرف، مدافع تشکل و در عمل، ضد تشکل است

بقیه از صفحه ۱۰

ها، زیر پوشش قوانین بیمه و تأمین اجتماعی قرار گیرند. حق بیمه کلا از سوی دولت و کارفرما پرداخت شود. قانون بیمه بیکاری تصویب شود. و برای کارگرانی که به علت حرفه خود، سوانح کار جانشان را تهدید می‌کند، بیمه عمر برقرار گردد.

سن بازنشستگی کارگران تقلیل یابد. زنان با ۵۰ سال سن و ۲۰ سال کار و مردان با ۵۵ سال سن و ۲۵ سال کار حق بازنشستگی داشته باشند.

اگر آقای وزیر کار، واقعا در ضد " رفح مشکلات " کارگران است؛ بجاست که به عنوان " سومین اقدام مهم " خود، قانون کاری، بسا رئوس یاد شده و تدوین کند و پس از ۵ سال، به این حداقل آرزوی کارگران، جامه عمل ببوشاند!

نمایندگان " کمیسیون خانواده " زندانیان و ناپدید شدگان آرژانتین " که از کلیه خانواده های زندانیان سیاسی مخالف رژیم این کشور و ناپدید شدگان - صرفنظر از ایدئولوژی آنان - تشکیل شده و هم اکنون در رابطه با کارزار وسیع تبلیغاتی در زمینه " افشای سیاست جنایتکارانه دیکتاتوری حاکم و جلب همبستگی بین‌المللی، به کشورهای اروپائی مسافرت می‌کنند، طی اقامت در بارسلن، همبستگی خود را با خانواده " زندانیان سیاسی ضد امپریالیست و پیوسته، توده‌ای‌های دریند اعلام داشته ضمن ارسال نامه " اعتراضی به نخست وزیر ج ۱۰۱۰ که رونوشت آن به سفارت ج ۱۰۱۰ در اسپانیا نیز فرستاده شده است، خواستار آزادی اعضای حزب توده، ایران و سایر دمکراتها، از شکنجه گاههای حکومت ایران گردیده‌اند.

● احزاب کمونیست شیلی، اورگوئه، آرژانتین، لبنان در کاتالونیا، طی ارسال نامه اعتراضی به نخست وزیر ج ۱۰۱۰، خواستار آزادی اعضای حزب توده، ایران و سایر مبارزین ضد امپریالیست از سیاهچالهای حکومت و از سر گرفتن فعالیت قانونی حزب گردیده‌اند.

" کمیسیون همبستگی با خلق بلیوی " در کاتالونیا، اعتراضنامه‌هایی به مقامات ج ۱۰۱۰ ارسال و در آن ضمن بر شمردن از جان گذشتگیهای کمونیستهای ایران در صف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم و استعمار، آزادی آنان و سایر دمکراتهای در بند را خواستار گردیده‌اند.

## همبستگی مسئولین سندیکاها و شوراهای کارخانه‌ها در آلمان فدرال با زندانیان توده‌ای

● هلگا ویلهلمس - معاون ریاست شورای کارگران ● دکتر هایدی کناکه - عضو هیئت رئیسه یک سندیکا ● هانس یواخیم مولر - رئیس شورای کارگران ● اولتریک مارکر، معاون ریاست یک سندیکا ● اینگه کنوتز، معاون ریاست سندیکای سراسری آلمان فدرال در الدنبرگ ● باربارا برنیکم، عضو هیئت رئیسه یک سندیکا ● هانز گوتتر هارتیکه، عضو هیئت رئیسه سندیکا ● گوردن پاتل، رئیس شورای کارگران ● امی هل بیگ، عضو شورای کارگران ● مالوین زهمن، رئیس یک شورای محلی سندیکایی زنان ● کلاوس دوپکه رئیس شورای کارگران ● پتر برنیکم، عضو شورای کارگران ● د پتر گرز، عضو هیئت رئیسه یک سندیکا ● پتر شوتز، عضو هیئت رئیسه حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال در الدنبرگ ● ارنست اشتایگرالد، معاون ریاست شورای کارخانه ● مارکوس شالك، عضو شورای کارگران ● ایر-ملین شاخت اشتایدر، معاون ریاست یک سندیکا ● کلاوس زهمن، رئیس شورای کارگران ● اولتریکه اشمیت، عضو شورای محلی جوانان یک سندیکا ● پرفسور دکتر رایز کروگر، پرفسور دانشگاه الدنبرگ ● دکتر آندریاس زیگر، پزشک ● گرت براتیز، حقوقدان ● هانس هتینگ آدلر، وکیل

تا کنون ۶۷ تن از مسئولین سندیکایی و شوراهای کارخانه‌ها، اعضای شهرداریها و رهبران احزاب در الدنبرگ، نامه سرگشاده‌ای را که خطاب به سفارت ج ۱۰۱۰ در بن انتشار یافته است، به امضا کرده‌اند:

متن نامه بقرار زیر است:

" با کمال تأسف، شاهد نقض موازین حقوق بشر در ایران هستیم، موازینی که در قانون اساسی ج ۱۰ نیز مندرج است و بدینوسیله از مقامات مسئول حکومتی در ایران می‌طلبیم، که با نظارت هیأتی بین‌المللی، در دادگاههای اعضای حزب توده، ایران و سایر نیروهای دمکراتیک، موافقت نماید.

برخی از امضا کنندگان نامه سرگشاده فوق عبارتند از:

● مانفرد هیند رکز، عضو شورای کارگران ● دوروتا فوکت، عضو شورای کارگران ● ماتیسوس شاخت اشتایدر، رئیس شورای کارگران ● کارگسرا ن ورنر کالتنبورن، رئیس شورای کارخانه آکسل کلاین اشمیت، عضو هیئت رئیسه حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال در الدنبرگ ● میثاشلا ژسنی، رئیس یک شورای محلی سندیکایی زنان

# ادامه جنگ و تشدید بحران در منطقه در خدمت تقویت امپریالیسم و ارتجاع!

## ● ادامه جنگ بخاطر دفاع از انقلاب نیست!

بقیه از صفحه ۱

ترسیم شده " چیست؟! سخنگوی شورای عالی دفاع میگوید: "..... ما امنیت خلیج فارس را تا موقعی حفظ می‌کنیم که صادرات ما از خلیج فارس، بطور عادی باشد....."

به عبارت دیگر ارزش " خلیج فارس "، برای آقایان شرکت کننده در " شورای عالی دفاع "، تنها و تنها به این محدود می‌شود که " صادرات ما از خلیج فارس " ممکن باشد. یعنی برای کسانی که يك لحظه هم فرياد های " معنویت خواهی " شان، قطع نمی‌شود و حکم " مهدور - الدمی " ما، پیروان سوسیالیسم علمی را به جرم " ماده پرستی " و " دفاع از منافع مادی " سالها پیش صادر کرده‌اند، اعتبار حفظ امنیت خلیج فارس "، تا آنجاست که امکان صدور " ماده " از آن به این و آن سو ورود " مواد " از کشورهای دیگر به آن، باقی باشد.

برای درک دقیق تر معیوب بودن این سیاست باید به ادامه نظرات " شورای عالی دفاع " توجه کرد تا روشن شود، يك محاسبه تا - درست، که هدفهای خلاف منافع مردم میهن ما و انقلاب آن را دنبال می‌کند، چگونه می‌تواند برای مردم منطقه خلیج فارس و ماورا آن فاجعه بیافریند!

آقای سخنگوی " شورای عالی دفاع " ضمن تأکید " بی ارزش " بودن خلیج فارس، می‌گوید: " تدبیری " که " تصمیم " آن را در اوایل جنگ گرفتیم، این بود که " خلیج فارس را بسته نگه‌داریم "، زیرا " امکان‌اتش را هم خوب داریم " سپس اضافه می‌کند:

" هیچ قدرتی، حتی جنگ جهانی سوم نیز، نمی‌تواند آنرا، اگر ما نخواهیم، باز کند. "

به عبارت دیگر، آقایان اعضای " شورای عالی دفاع " بخوبی آگاهند که امپریالیسم آمریکا، در پی یافتن " بهانه‌ای " (که گفته " شولتز، وزیر امور خارجه آمریکا، " بازنگهداشتن آبراههای بین - المللی " را تهدید کند، در سرگردان بهانه‌اندازگافی آموز است)

این آقایان همچنین بخوبی واقفند که " بسته نگه‌داشتن " خلیج فارس، چنین " بهانه‌ای " را صاف و ساده، در اختیار امپریالیست‌ها و در رأسشان امپریالیسم آمریکا قرار می‌دهد. احتی اعضای شورای عالی دفاع " آنقدر " دوراندیش " هستند که بدانند در اثر دخالت امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس، خطر ایجاد " جنگ جهانی سوم " به روشنی روز وجود دارد؛ پس وجود این " خم به آبرو نمی‌آورند و با ادامه سیاست معیوب خود، با فرور يك مرغ اعلام می - کنند که:

" نظر ما، همان حرفی است که قبلاً گفتیم! " بدیهی است، روشنی نظرات و مواضع حزب ما در دفاع از میهن، حفظ تمامیت ارضی و

منافع زحمتکشان و " مستضعفان " - نیست، که باید برای دفاع از آن با امپریالیسم روبرو شد و " حتی جنگ جهانی سومی " را هم به جان پذیرفت تا بلکه مطلب بر سر براندازی انقلاب و به باد دادن منافع ملی و منافع مردم میهن ما و تحکیم بازهم بیشتر مواضع امپریالیسم و ارتجاع جهانی و منطقه است، برای چنین اهدافی باید منطقه بسه آتش کشیده شود.

آری، حتی جهان را باید مشتعل ساخت تا همچنان " سیاست "ی که " از اول ترسیم شده " پیاده شود. و در این رهگذر چه باک اگر امپریالیسم، " برنده " اصلی " باشد و بشریت ضد

استقلال کامل آن و دفع تجاوز امپریالیستی، نیاز به تصریح ندارد؛ شرکت گسترده " تودهایها و جانفشانی و ایثارشان در این راه ثبت تاریخ است. اما آیا آنچه آقایان " شورای عالی دفاع " می‌گویند و بر آنند که به آن عمل کنند، در جهت دفاع از میهن است؟! آیا این " تدابیر " و " تصمیم " های " از اول ترسیم شده "، بخاطر حفظ تمامیت ارضی ایران و تأمین استقلال واقعی کشور است؟! آیا گردانندگان ج ۱۰۱۰ با اتخاذ چنین " تدابیر "ی در صدد نجات انقلاب از خطر تجاوز و مسخ ویرانگر آنند؟! باید به تمام این پرسش‌ها، پاسخ منفی داد!

ما هر چه از محیط مترفین به طرف محیط معرومان و متقی‌ها می‌رویم میبینیم که انقلاب پایگاهش آنجاست..... و ما اینجایم!



تل سلفان امام چه وقت تهران از اطلاعات سبته دوم مهر ماه ۱۳۶۲

جنگ و صلح دوست، بازنده " مغبون! " معیوبی این سیاست و این تفکر، هنگامی به ایچ خود می‌رسد که حاکمان ج ۱۰۱۰ با علم به اینکه امکان وقوع " جنگ جهانی سوم " بیش از پیش می‌تواند به واقعیت بدل شود، همچنان بر اعمال " سیاست های طلیل خود پای می‌فشرند و از اینکه جهانی را به آتش بکشند، پروائی ندارند آنها که می‌خواستند " معنویت " را بر " مادیت " برتر بدارند، اکنون برای تأمین منافع مادی - صدور نفت خود از خلیج فارس - حاضرند حق حیات ساکنان منطقه و حتی جهان را از آنان باز ستانند! و تمامی این جنایات را در گوی بهانه پوک " انتقام کشی " و " قصاصی کردن " صدام می‌گنجانند!

آری چنین است سطح " خرد جمعی " و " چکیده تفکر پریرا " اعضای " شورای عالی دفاع " که اکنون بر جان و مال و هستی مردم محروم ما حکومت می‌کنند!

مگر سیاست طلیل همین آقایان تسلیم طلب نیست، که: - جامعه بحران زده و انقلاب مظلوم ما را به ورطه " شکست کشانده؛ - که شرایط داشتن يك زندگی حداقل و عادی را برای اکثریت مردم زحمتکش و محروم ما، امکان ناپذیر ساخته؛ - که بی ویران شده " وابستگی به امپریالیسم را از نو تعمیر کرده؛

مگر به پیروزی همین " سیاست " نیست که کاغذ های مسموم به شعار " نه شرقی، نه غربی " وزارتخانه‌های ج ۱۰ هر روز با متن قرارداد های استقلال شکن و خیانت بار، سیاه می‌شود؟! مگر اعمال مصرانه این " سیاست " جز ادبار و فقر روز افزون چیز دیگری هم برای میهن ما به ارمغان آورده است؟! بنا بر این مطلب بر سر دفاع از انقلاب نیست! مطلب بر سر حفظ مصالح عالیه انقلاب -



www.iran-archival.com

# امپریالیسم باز هم فاجعه آفرید!

روز ۲۶ اکتبر، امپریالیسم آمریکا، گرنادا ای انقلابی را مورد تجاوز قرار داد و با اعزام ۲ هزار تنفنگدار دریایی که با آتشبار تپهخانه‌نیروی دریایی آمریکا، پشتیبانی می‌شدند نقاط مهم استراتژیک این کشور را اشغال کرد.

ریگان جانی، طی گفتاری در تلویزیون، شرکت آمریکا را در تجاوز به گرنادا تأیید کرد. او عملیات سرکوبگرانه و تجاوزکارانه آمریکا را در این کشور، با ادعای "نجات جان" شهر-وندان آمریکایی مقیم گرنادا و در "احیا" شرایط دموکراتیک، در این کشور، توجیه کرد.

درواقع، گرنادا قربانی سیاست‌نااستعماری و تجاوزی واشنگتن شده است. به گزارش

خبرگزاریها، آمریکا طی سالهای اخیر، نقشه سرکوب انقلاب گرنادا را - که در سال ۱۹۷۹ پیروز شد و راه‌زهد مستقل خود را آغاز کرد - تدارک دیده و اکنون آنرا به مرحله اجرا در آورده است. دولت ریگان به بهانه‌های خود ساخته، پیش از ۲۰ ناو جنگی به سواحل گرنادا رهسپار کرده است و به گفته سخنگوی کاخ سفید، ایمن - "عطیات" - علاوه بر دلایل دیگر - بمنظور جلوگیری از "حضور کمونیستها" در نیمکره غربی به اجرا درآمدند دولت انگلستان نیز، ناوهای خود را که ناو موشک‌سیران پریم هم جزء آنست، برای کمک به نیروهای آمریکایی "به این کشور اعزام داشته - این همان ناو موشک -

بری است که در عملیات تجاوزگرانه انگلستان طی آرزانتین، در تجاوز به جزایر فالکلند - مالدیناس شرکت کرده بود.

این اقدام تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و هم پیمانان ناتوئی اش، نشانه آشکار تعرضی است که در تمام نقاط جهان، علیه نیروهای مترقی و کشورهای تازه از بند رسته آغاز کرده است. امپریالیسم آمریکا، استقلال و آزادی تمام کشورهای آمریکای مرکزی و حوزه دریای کارائیب را نشانه گرفته و این اقدام راهزنانانه، حلقه‌ای از توطئه‌های امپریالیسم به منظور سراندازی رژیم‌های مترقی در منطقه و بازگرداندن رژیم‌های باب میل خود، در این کشور است.

## بیانیه حزب کمونیست کوبا پیرامون رویدادهای غم‌انگیز گرنادا

حزب کمونیست کوبا و دولت انقلابی کوبا پیرامون رویدادهای گرنادا بیانیه‌ای منتشر ساختند. خلاصه این بیانیه به شرح زیر است:

"اکنون دیگر به روشنی آشکار گردیده است که از چند هفته و شاید از چند ماه پیش، اختلافات و برخوردهای عمیقی در رهبری دولت و در حزب حاکم گرنادا وجود داشته است. مورس پیشاپ، رهبر و نخست‌وزیر گرنادا، از ششم تا هشتم اکتبر، به هنگام بازگشت از سفر خود به مجارستان و چکسلواکی، در کوبا بود و با رفیق فیدل کاسترو دیدار و گفتگو کرد. موضوع گفتگوها، همکاری و کشور در زمینه‌های مختلف بود.

پس از چند روز - دوازدهم اکتبر - سفارت کوبا در گرنادا، به دولت خود اطلاع داد که در گرنادا وقایعی شگفت‌انگیز و نامطبوع رویداده و در کمیته مرکزی حزب حاکم مجدداً عمیقی پیدا شده است. صبح همان روز مورس پیشاپ، رهبران کوبا را از پیدایش اختلاف نظرهای عمیق مطلع کرد و گفت می‌کوشد آنها را بر طرف سازد. او نه خواهان موضعگیری و نه همکاری کوبا، برای غلبه بر اختلاف نظرها شد. باین ترتیب او احترام عمیق خود را نسبت به سیاست انترناسیونالیستی کوبا نشان داد.

پس از چند ساعت - بعد از ظهر - خیر رسید که مخالفان پیشاپ، در کمیته مرکزی حزب حاکم و همچنین در رهبری سیاسی، ارتش و نیروهای امنیتی اکثریت پدست آورد ماند و مورس پیشاپ را از رهبری حزب، عزل کرد. و در خانه‌اش، زندانی گرد ماند.

چون صحبت بر سر یک امر داخلی نبود، حزب و دولت کوبا، علیرغم دوستی با پیشاپ و اعتماد عمیق به کفایت و لیاقت رهبری او به سفیر خود دستور داد اصول و قواعد سیاست انترناسیونالیستی کوبا را بدقت رعایت کند و از هر گونه مداخله در امور داخلی حزب و دولت گرنادا خودداری نماید.

روز ۱۵ اکتبر، رفیق کاسترو پیامی برای کمیته

مرکزی حزب حاکم گرنادا فرستاد که در آن مواضع کوبا به روشنی تشریح و گفته شده بود که کوبا بخود اجازه نمی‌دهد، در امور داخلی حزب و دولت گرنادا مداخله نماید. اما در عین حال، نگرانی عمیق خود را از اختلاف نظرهای پیداشده و پیامدهائی که می‌تواند برای جریان انقلاب در گرنادا و خارج از آن در برداشته باشد، بیان کرده بود. در این پیام همچنین گفته شده بود که در کوبا، بعلمت احترام زیادی که مردم برای پیشاپ قائلند توضیح این وقایع کار آسانی نیست. سپس اظہار امیدواری شده بود که مشکلات با حد اکثر هشیاری و جدیت و اصولیت برطرف گردد.

نگرانی کوبا، بطور عمده در این راستا بوده که درگیرهای داخلی گرنادا، جنبه جبهه‌گیری‌های خونین بخود نگیرد.

چند روز متوالی، راه برون رفتی از این بحران پیدا نشد. اما بنظر می‌رسید که به تدریج علائمی برای یک راه حل مسالمت‌آمیز پیدا می‌شود.

خلق خواهان حضور پیشاپ در جریان‌ات بود.

روز ۱۹ اکتبر، در نخستین ساعات بامداد گفته شد که کارگران اعتصاب کرده‌اند و مردم، در خیابانها بسود پیشاپ راه پیمائی می‌کنند. گروه کثیری از راه‌پیمایان به سوی اقامتگاه او روانه شدند، و وی را از بازداشت خانگی رها ساختند. سپس گفته شد که مردم یکی از موسسات نظامی را نیز اشغال کرده‌اند. در اخبار گفته می‌شد که به سوی مردم، تیراندازی شده و عده‌ای کشته و زخمی گردیده‌اند. ارتش موسسه نظامی را پس گرفته و عده‌های را دستگیر کرده است.

پیرامون سرنوشت پیشاپ و دیگر همراهانش در این گزارشها چیزی گفته نشده بود.

بعد از ظهر، نتایج این رویدادهای غم‌انگیز معلوم شد. یک اعلامیه رسمی صحبت‌تاز مرگ مورس پیشاپ، نخست‌وزیر، اونیسیس ویتمن وزیر امور خارجه، ژاکلین گرفت وزیر آموزش و

پرورش، وینسنت نوتل جانشین اول اتحادیه مرکزی کارگری گرنادا، نریس بین وزیر خانه‌سازی و فیزیوی بین دبیر کل اتحادیه کارگران کشاورزی بمان آورد.

پیشاپ یک رهبر سیاسی بود که بر پایه استعداد، صمیمیت و صداقت انقلابی خود در کوبا از همدردی زیادی برخوردار بود و در جهان هم برای او احترام زیادی قائل بودند. مرگ او و رهبری کشور ما را سخت متأسف کرده و ما برای همیشه یاد او را گرامی خواهیم داشت.

باید متأسف بود که تفرقه در میان انقلابیون گرنادا با این مراسم خونین به پایان رسیده است.

هیچ نقطه نظری، هیچ اصلی، هیچ موضع - گیری انقلابی و هیچگونه اختلاف سلیقه‌ای نمی‌تواند این حوادث فجع و نابود کردن فیزیکی مورس پیشاپ و دیگر رهبران برجسته مورد احترام را توجیه کند.

نحوه مرگ مورس پیشاپ و رفقایش باید روشن شود و اگر صحبت بر سر کشتن حساب شده و عمدی آنان باشد گناهکاران باید به سزای شایسته خود برسند.

امپریالیسم اکنون خواهد کوشید که از این تراژدی و اشتباه بزرگی که انقلابیون گرنادا مرتکب شده‌اند سو استفاده کند تا روند انقلابی را در گرنادا نابود نماید و کشور را از نو به زیر یوغ امپریالیستی و نواستعمار بکشد.

با وجودیکه ما بر اثر این حوادث ناگوار، سخت تلخکام شد‌ه‌ایم دست به اقدامی نخواهیم زد که به همکاری‌های فنی و اقتصادی دو کشور در رشته‌های حیاتی لطمه وارد شود. اما مناسبات سیاسی ما با مسئولان جدید مورد تجزیه و تحلیل جدی و عمیق قرار خواهد گرفت.

ما آرزو مندیم که این رویدادهای دردآور موجب آن شود که همه انقلابیون گرنادا و جهان خوب ببیند یسند و راهی را برگزینند که هیچ جنایتی به نام انقلاب و آزادی صورت نگیرد.

# «انقلاب فرهنگی»، ارتجاع، جانشین «سیاست فرهنگی»، امپریالیسم

برای مبارزه با خشکسالی به صلی پرویم . اگر می‌خواهیم جلوی مرگ و میر زنان باردار و نوزادان را با تکیه بر دانش پزشکی بگیریم ، باید به مراحل رشد جنین در رحم مادر برخورد علمی بکنیم و دیگر نمی‌توانیم مدعی شویم که جنین یک بچه در شکم مادرش با مادر خود بهنگام تنهائی او راجع به معنویات صحبت می‌کرده است!

## آبادر دنیاى معاصر می توان از علم و صنعت صرف نظر کرد؟

دانش و فن و فرهنگ معاصر چه در زمینه علوم دقیقه و چه علوم انسانی ، جز با ایجاد محیط تفکر علمی و تحقیق آزاد قابل گسترش نیست . هرکس که بیم آن دارد هنگام آموختن فیزیک و شیمی و ریاضی در عقایدش متزلزل راه یابد ، ناگزیرست از آموختن علم ، صرف نظر کند . اما امتناع از فراگیری علوم در مقیاس کشوری ، به معنای محکوم کردن ملت به وابستگی برده وار همیشگی هم هست .

آقای ربانی املشی اعتراف می‌کند ، که عمر پیدایش مدارس جدید در کشور ما ، هنوز از عمر خود ایشان بیشتر نیست . ولی علت عقب ماندگی ما را نه در این تأخیر چند صد ساله ، بلکه فقط در این می‌داند که " افرادی مثل نیاوندی نمی‌خواستند ما مخترع و اهل صنعت و اختراع بشویم " .

چنین ادعائی البته فقط گوشه‌ای از واقعیت است . در حالیکه عقب ماندگی ما ، درست مربوط به آن قرن هائی است که " مکتب خانه‌ها " در کشور حاکمیت مطلق داشته‌اند و اثری از آثار علوم و صنایع جدید وجود نداشته است . و بر عکس آنچه که آقای ربانی املشی در پی اثبات آنست پیدایش همین مدارس جدید و ایجاد دانشگاه‌ها بود ، که برغم تمام نقایص خود ، امکان داد ما از قافله تمدن بکلی بریده نشویم و لنگ لنگان از پی‌اش گام برداریم .

ببینید خود آقای ربانی املشی چه می‌گوید :  
" ابتدا که قرار تأسیس مدارس جدید پیش آمد ، شاید شما هیچکدام در آن موقع وجود نداشتید . من کاملاً در جریان نبودم و مقداری شنیدم . وقتی قرار شد مدارس جدید بکار بیفتد ، مسلمانها به تکاپو افتادند که چه خواهد شد و مسلمانهای بیدار راه را می‌شناختند و وقتى دیدند زیر کاسه احتمالاً نیم کاسه ایسنت به علمای عظام مراجعه کردند " .  
" آیت الله العظمی نائینی که در صدر مشروطیت کتاب تنبیها لامه را نوشته بود ، در باره " این مدارس فرمودند : صلیبی‌ها مدتها بود که می‌خواستند امت اسلامی را به زیر یوغ استعمار در آورند و در اختیار بگیرند از هر راهی وارد شدند ، نتوانستند نتیجه کامل بگیرند " .

مدلسل تری می‌افزاید :  
" من اگر پروفیسور شدم در این دانشگاهها و اگر اختر شناس شدم و اگر در علم و صنعت پیشرفته شدم در دانشگاههای غرب زده بتوانم هواپیماهای قاره پیما و جت ها و اتم ( ۱ ) بسازم و ایدیه من شرقی و غربی باشد و روح و روان من هم اینطور شود ، نمی‌خواهم این هواپیماها و جت ها ، و هدایت کننده‌های ساخته شده این دانشگاهها هرگز به خون شهدای ما احترام نمی‌گذارند و کسانی هستند که بر سر ما بمب می‌ریزند " .

فی الواقع اظهار نظر جدی در مورد اینگونه بیانات آقای ربانی املشی و امثالشان که " داوطلبانه " آمده‌اند تا کشور ما را هدایت کنند و از " شرق و غرب " بی‌نیاز سازند ، کسار آسانی نیست . زیرا بیانات ایشان به خواب آشفته و کابوس بیشتر شبیه است ، تا سخنان یک دولتمرد مسئول !

از برخورد عامیانه و سطحی آقای ربانی املشی به علوم ، که ظاهراً نامهای آنها را فقط در سطح دبیرستانی می‌شناسد و در " بیانات " خود ، خطاب به دانشجویان دانشگاه ، هنوز از فیزیک و شیمی و ریاضی و طبیعی بطور کلی نام می‌برد ، - می‌توان بی‌برد ، که ایشان متأسفانه از داشتن یک تصور حداقل روشن و دقیق از علوم معاصر محروم است و شاید چنین می‌پندارد که هواپیماهای قاره پیما و موشک‌ها و شمارگرهای الکترونی را با آموختن فیزیک و شیمی و ریاضی و طبیعی در دبیرستان می‌سازند .

متأسفانه این ضعف مشترک اکثریت قریب به اتفاق دولتمردان محترمی است ، که به نام مذهب اهرم‌های حکومتی را در دست گرفته‌اند . و گرچه همه آنان مصرف کنندگان پروریا قریص محصولات کشورهای الحادی در خانه و خیابان و محل کار و حتی در جنبه‌های جنگ هستند ، اما تصور روشنی از علم و صنعت دنیاى کنونی ندارند .

البته این هنوز جنبه " وحشتناک ناآگاهی و عقب ماندگیشان را نمایان نمی‌سازد . عیب اصلی کار اینجاست که این مدعیان علم و دانش ، از دانش و خرد وحشت دارند و حاضرند از همه علوم معاصر ، حتی در سطح دبستان و دبیرستان صرف نظر کنند تا گویا ضمن تدريس " از محتوی اسلامی خالی نشوند " . امروز هر آدم درس خوانده‌ای می‌داند که خواه نا خواه ، آموختن عمیق و دقیق دانشهای امروزی ، نیاز به انسان‌های آزاد اندیش دارد . نمی‌توان در عین حال هم منطقی و علمی اندیشید و هم ضد آن بود . اگر می‌خواهیم با تکیه بر علم هواشناسی ، تخفیرات جوی محیط خودمان را با استفاده از وسایلی امروزی پیش بینی کنیم ، دیگر نمی‌توانیم " مرسل - الریاح " را باعث توفانی شدن هوا بدانیم و

بقیه از صفحه ۱  
کتک و شلاق و شکنجه و زندان و اعدام می‌کوشد در تمام زمینه‌ها ، سیاستی ارتجاعی را مسلط سازد که حافظ کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی است و موجب عقب ماندگی بیشتر و محو کامل شخصیت ایرانی مردم سرزمین ماست . امروزه همه کس اذعان دارد که تمام زشتکاریها و جنایات در مینهن ما ، بنام مذهب انجام می‌گیرد . در چنین شرایطی تعیین دقیق مرز مبارزه ، بنحویکه به اعتقادات مذهبی توده مردم بی - حرمتی تلقی نشود و در عین حال جنایتکاران پنهان شده در زیر پوشش مذهب رسوا گردند ، کاریست بس دشوار .

پیکار برای حفظ منافع مردم زحمتکش ایران و فرهنگ اصیل ایرانی ، خواه نا خواه منجر به رویارویی و افشاکاری علیه عناصر مکلا و معممی خواهد شد که خواه با صداقت و از روی حسن نیت و خواه از روی غرض و سوء نیت ، مینهن و مردم ما را به منجلا ب نظام بهره کشی عقب مانده و بی‌دانشی و بی‌خردی قرون وسطائی بر می‌گردانند . اما این پیکار نباید بهناپس به مبارزه علیه مذهب تعبیر گردد . همانطور که گفتیم احترام به مذهب و باورهای مذهبی ربطی به مبارزه علیه تسلط سیاسی عناصری مترتج و چه بسا جنایتکار بر شئون مختلف جامعه ندارد . ما کمونیست‌ها همچنان به باورهای دینی توده مردم احترام می‌گذاریم و آنرا امری شخصی ، تلقی می‌کنیم .

انگیزه نوشتن این مطلب سخنانی است که آیت الله ربانی املشی در مراسم بازگشائی دانشگاه علم و صنعت ایراد کرده است . صحبت بر سر شخص آقای ربانی املشی نیست . صحبت بر سر نظریاتی است که ایشان مطرح می‌کنند . نظریاتی که تقریباً مجموعه " روحانیت حاکم بر کشور ما ، با اندکی تفاوت پیوسته آنرا تکرار می‌نمایند . آقای ربانی املشی طی سخنان خود می‌گوید :  
" ما فیزیک و شیمی را می‌خواهیم ، ریاضی و طبیعی را می‌خواهیم . اما این علوم را اگر غربیها یا روشنفکران شرقی و غربی تد ریس کنند و ضمن تد ریس ما را از محتوای اسلامی خالی کنند ، نمی‌خواهیم " .

سابقاً بزرگان ما می‌گفتند :  
" مرد باید که گیرد اندر گوش

و رونوشت پند بردیوار  
اینک آقای ربانی املشی و امثالهم چنان گرفتاری اعتمادی به استحکام عقاید خویش‌اند ، که از هر روشنفکر غیر مذهبی وحشت دارند و حاضرند اصولاً از علم و صنعت صرف نظر کنند و بدوران جاهلیت باز گردند ، ولی به عنصری بدل نشوند که خارج از محدوده تفکر قشری آنان باشد . سپس ، ایشان در جهت ادامه توضیحات

# گیتا علیشاهی ، توده‌ای که با «منطق سرپین گلوله» شهید شد!

پنجمین روز ماه گذشته ، باد و مین سالروز شهادت معصومانه رفیق گیتا علیشاهی ، صادف بود . گیتا ، شهید شد و یکبار دیگر کذب ادعا های توخالی سردمداران چ ۱۰۱۰ را که فریاد های " انسان خواهانه " و از سر " عطف و ست اسلامی شان " گوش فلک را کر کرده ، پسر مستند اثبات نشانند .

گیتا ، شهید شد و با مرگ خود ، چهره کراهتبار و ضد انسانی رژیم را ، رسوا کرد . گیتا ، شهید شد و با پیکر خونین و بیجان خود ، منطق مجاب کننده های " راهکده در اطلاق های تشییت و بنده های ۳۰۰۰ ج ۱۰۱۰ بکار برده می شود ، بر ملا ساخت .

اینکه ، این فریاد پرطنین و بی لرزش " گیتا " ست که با صدای مرگ خود ، حقانیت راه و مشی ای که برگزیده بود ، ثابت می کند و توحش بی حجاب و بهیبت جنون زده ، حاکمان چ ۱۰۱۰ را عریان می نماید .

کسانی که هنوز ، با نفیر مسموم خود ، نعره می زنند که در زندانهای چ ۱۰ " منطق " و " آموزش و تهذیب " حاکم است و " از شکنجه هیچ خبری نیست " در برابر این فریاد رسواگر ، چه پاسخی دارند ؟ کسانی که با وقاحت ادعا می کنند ، در باغشاه

های تعمیر شده ، چ ۱۰ ، سخن " به جای " شوک الکتریکی " و " آموزش " به جای " گلوله " سری می کند ، چگونه قادرند طنین افشاگر این فریاد را خاموش سازند ؟

به چگونگی شهادت رفیق شهید مان ، نگاهی بیندازیم : رفیق گیتا علیشاهی روز یکشنبه ۵ مهر ماه ۶۰ ، هنگامی که برای گرفتن جواز تد ریس در کلاس های سواد آموزی عازم مرکز بسیج سواد آموزی بود ، در حوالی خیابان وصال اشتباه ها دستگیر شد . اتهام واهی دستگیری گیتا ، شرکت در تظاهراتی بود که گویا چند دقیقه پیش در آن محل برگزار شده بود . گیتا " نینه شب همان روز پیش از آن که مجال یابد بیگانه های خود را اثبات کند ، به جوجه " اعدام سپرده شد .

خبرهای پراکنده ای که از آخرین دقائق زندگی " گیتا " به دست ما رسیده ، مبارکسوی حماسای بی ادعا و شورانگیز است ، که جاذبه آن در سادگی آن ، و معصومیت آن ، در وصفی داری ناب آنست . " گیتا " وقتی مطمئن شد که لحظه مرگ فرا رسیده ، فریاد زد : من توده ای ام و توده های نمی تواند در جبهه مخالف انقلاب باشد .

اما این برهان قاطع بیگانه های ، بدون جواب ماند و نهال جوان حزب ما ، در وصیت نامه ای که آن را " به نام انقلاب بزرگ ایران و حزب توده " ایران " آغاز کرد ، خطاب به خانواده نوشت :

" تنها وصیت من این است که هرگاه نشانی از حزب عزیزم که تنها دلخوشی من در زندگی بود ، دیدند و وقتی انقلاب را شکوفان تر یافتند ، یادی از این حقیر هوادار کنند . " " پاینده باد انقلاب بزرگ مردمی ایران ، ، ، ، پایدار باد حزب پرافتخار ارانی . "

یک شاهد عینی نقل کرده است : " حوالی نیمه شب جمعی را از دیگران جدا کرد ندو به حیاط اوین بردند . " گیتا " در میان آن ها بود وقتی صدای پای آن ها قطع شد و پیش از آن که صغیر گلوله ها در سکوت شب بپیچد ، نخست مردی شعار داد : - زنده باد فدائیان اکثریت ! و فریاد " گیتا " که طنین عجیبی داشت ، گوش ها را پر کرد : - زنده باد حزب توده " ایران ! هیچ لرزشی در صدایش نبود .

بکلی بیگانه باشد و هیچ ندای مخالفتی از گسوی آنهابر نخیزد ؛ امپریالیسم بازگشت قطعی و جبران ناپذیر انقلاب را می طلبد . و به " سبب اندکی " که به او اعطا شده ، دلخوش نیست . حاکمیت راستگرایان چ ۱۰۱۰ ، با حرکت از منافع چپاولگران داخلی و خارجی ، تمام نیرو های ضد امپریالیستی و مردمی را در میهن ، به بند کشیده و سیاست دوری و دشمنی باد وستان و حامیان خارجی اش را در پیش گرفته است . ایران که می توانست با تقویت نیروی مردمی در داخل و همبستگی و ایجاد جبهه وسیع ضد امپریالیستی یا کشورهای مترقی منطقه ، هر سیاست توطئه گرانه امپریالیستی را نقش بر آب سازد ، در نتیجه " چرخش به راست در حاکمیت چ ۱۰۱۰ " به همسویی با امپریالیسم گرویده و در جهت تحقق اهداف و نقشه های آن عمل می کند . باید در مقابل این توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا هشیار بود . خطر امپریالیسم آمریکا برای ایران و منطقه باقی ، جدی و فوری است ؛ باید تمام نیروها را علیه این توطئه های شوم امپریالیستی بسیج کرد . وظیفه " تمام نیروهای " که هنوز به آرمانهای انقلاب مردمی میهن وفا دارند اینست که با افشای توطئه ها و تهدیدات امپریالیستی با تمام ابعاد و در هر شکل آن ، جبهه مقاومت ضد امپریالیستی در میهن مسا را تقویت کنند . نیروهای انقلابی و مردمی در میهن ما وظیفه دارند که نگذارند ایران به آلت دست امپریالیسم آمریکا برای پیاده کردن نقشه های شومش در منطقه بدل شود !

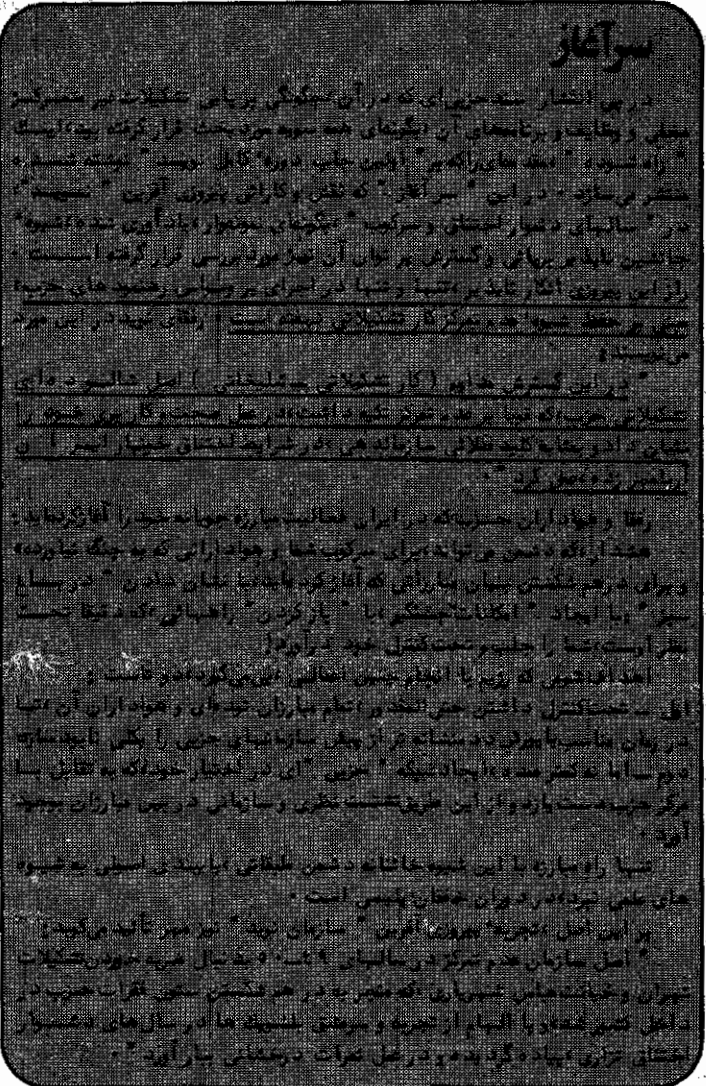
## خطر امپریالیسم آمریکا برای منطقه حتمی و جدی است!

اماکنات فنی و وام و " پاسدار " در اختیار " خان های به وطن بازگشته " قرار می دهند ؛ هر ندای حق طلبانه و عدالت جویانه " نیرو های هنوز پای بند به آماجهای انقلاب را در گلو خفه می کنند ؛ یورش همه سویای را به اصول مترقی قانون اساسی ، زیر نام " کنار گذاشتن اختلافات تدارک می بینند ؛ مردم دلسوخته و به جان آمده " ما را از یاری سیاسی نیروها و سازمانهای مدافع منافع آنان محروم می سازند ؛ و میدان را برای غارت بی بند و بار امپریالیسم و نوجهایش - محترمان و گران فروشان - بسی حریف می کنند ؛ آیا این به معنای هم سوئی با امپریالیسم نیست ؟ با این حال هنوز هم این امپریالیسم آمریکا است که نسبت به " کرنش " ها و " دریاغ سبز نشان دادن " های سردمداران چ ۱۰۱۰ بی اعتناست ؛ امپریالیسم ایران را ، به حد تمام و کمال می خواهد ؛ با تمام چاههای نفت ، ذخائر انرژی ، معادن بی شمار و کشف شده و نشده . . . و با مردمی آرام ، سر بزیز و مطیع خواسته های او که با واژه های " حق " ، " آزادی " و " استقلال "

بقیه از صفحه ۱  
و همچنان بر استقرار موشکهای هسته ای میان برسد ، بمنظور کسب برتری استراتژیک هسته ای ، پای می فشرد ؛ و در منطقه :  
- کانون های تشنج و درگیری را در لبنان مشتعل تر می سازد ؛  
- ناوهای جنگی خود را به سوی خلیج فارس ، اعزام می دارد تا در معیت ناوهای انگلیسی و فرانسوی و ایتالیایی ، موقعیت رژیم های ارتجاعی منطقه را تثبیت بخشد ؛  
- با کشورهای عضو " شورای همکاری خلیج " ، مانور نظامی " سپر جزیره " را پراه می اندازد ؛  
- کشورهای عربی خلیج را ، با همکاری هم پیمانان ناتوی اش ، مسلح تر می سازد ؛  
و در ایران به دست مدافعان سیاست " انقلاب پراننداز " خود می کوشد " منافع حیاتی " خود را به پهنای ایران گسترش دهد .  
در این میان ، حاکمان چ ۱۰۱۰ در همان راستایی گام بر می دارند که پسند امپریالیسم است ؛  
- بر شعار " آمریکا شادکن " جنگ ، جنگ تا پیروزی " پای می فشرند ؛  
- اهرمهای اقتصادی - سیاسی - قانونگزاری را هر چه بیشتر به " دستان پر قدرت " کلان - سرمایه داران می سپارند ؛

# از "نوید"، پیام‌وزیم! سیر و سرگذشت سازمان زیرزمینی "نوید"

## سراغ



بزرگترین حماسه امروز، تدارك پر حوصله و بی‌گير فردائی است که در آن قهرمانان مژوی خلق، جای خود را به خلق قهرمان می‌دهند. برای این فردای پر برکت، چه بذری نیرومند تر از تئوری مارکسیسم انقلابی؟ و مارکسیسم واقعی در میهن ما مگر چیزی جز سرمشتق نبرد پهلوانی حزب سوده\* ایران است؟

مرکز حزب این عزم را تهنیت گفت و از طریق راد یو پیک ایران پیشنهاد کرد: "نام نوزاد را "نوید" بگذارید. او به استقبال وظیفه دشواری می‌رود" و نخستین شماره "نوید" در اوایل دی ماه همان سال در تهران منتشر شد.

"نوید" در آغاز فصل نامه بود و در حجمی بین ۱۴ تا ۲۲ صفحه تنظیم می‌شد. با ابتدائی ترین وسایل دستی پلی‌کپی می‌گردید و در تیراژی در حد و د هزار شماره تنها در تهران پخش می‌شد. اما پس از چند شماره، "نوید" به صورت ماهنامه درآمد و با انتشار هر شماره، علاوه بر بهبود سریع کیفی و فنی، چند صد نسخه به تیراژ آن اضافه شد. این روند، تا هنگامی که فعالیت راد یو پیک ایران متوقف شد، ادامه یافت.

با خاموشی موقتی صدای حزب، وظیفه "نوید" برابرت سنگین تر شد و به حکم ضرورت جدید، تاریخ انتشار آن بصورت هفتگی درآمد و بر حسب مقتضیات سیاسی و نیازهای روز، گاه دو تا سه شماره در ظرف یک هفته منتشر می‌شد. این ضرورت جدید، روی افزایش برق آسای تیراژ تأثیر عمده داشت و این امر به خوبی خود به ایجاد مراکز متعدد چاپ در تهران و شهرهای بزرگ دیگر منجر شد. "نوید" در طی سه سال و سه ماه فعالیت مستمر زیر زمینی خود، راهی دراز پیمود. نیرو و ذکاوت او، تجربه غنی سیاسی و سازمانی حزب بود، اما حتمی این پشتوانه محکم قادر نبود تمامی مخاطرات را کنار بزند و یا حتی از تکرار پاره‌ای شکست‌ها و اشتباهات به زمین خوردن‌ها و زخم برداشتن‌ها که در جریان کسر ناگزیر است و تنها با تجربه شخصی قابل درک و جبران است، پیش‌بگیرد. این پشتوانه تجربی، که به صورت رهنمودهای حزبی در اختیار سازمان نوید قرار می‌گرفت، تنها می‌توانست تلفات و ضایعات را به حداقل برساند و هوشیاری و ابتکار گردانندگان "نوید" را صیقل دهد و تیز کند. کشف یک مرکز چاپ در اصفهان و دو مرکز توزیع "نوید" در تهران و اصفهان و دستگیری تتی چند از اعضای فعال سازمان، که البته تعداد آن‌ها از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کرد، ضربه‌هایی بود که توسط ساواک بر پیکر "نوید" وارد آمد. اما این ضایعات، با توجه به دامنه گسترده‌ای که "نوید" برای حضور و مبارزه خود در بسیاری از نقاط کشور فراهم آورده بود و نیز با توجه به تیراژ روز افزون آن که در آستانه انقلاب به ۱۰۰ هزار شماره و پس از آن به ۲۴۰ هزار شماره رسید، کمترین صدمه‌ای بود که می‌شد انتظار داشت.

راز بقا و تداوم "نوید" در خونین‌ترین و افسار گسیخته‌ترین دوران یورش و پرخاش رژیم "شاه - ساواک" در درجه نخست سازماندهی آن بود. شبکه پخش "نوید" در تهران و شهرستان‌ها اغلب از زبده ترین فعالین حزبی بودند. اکثر آنها مسئول بالاتر خود را جز با اسم مستعار نمی‌شناختند. محل وساعت ملاقات آنها، با علائمی که روی تیرهای چراغ برق، یا کیوسک‌های تلفن و دیوار مناطق خاص ترسیم می‌شد، تعیین می‌گردید. قبل از آنکه رفقا بر سر قرار خود حاضر شوند با همین علامت سلامت خود را اطلاع می‌دادند و هرگاه احیاناً خطری پیش می‌آمد، با خارج کردن رقیق که در معرض تهدید پرداژ زنجیره ارتباطات، امنیت شبکه‌ای که با او در رابطه بود، تأمین می‌شد. اینگونه افراد که ردپائی از آنها وجود داشت، مدتی مدید یا برای همیشه از شبکه تناس گیری و پخش کنار می‌رفتند و به مراکز پنهان فنی و چاپ منتقل می‌شدند. در صورتی که نبره ناگهانی وارد می‌آمد و یکی از فعالین بدام ساواک می‌افتاد، با حذف تنها حلقه ارتباط اوپسا سازمان، هرگونه خطری برای دیگران منتفی می‌شد.

با این پیش‌بینی‌ها و تمهیدات بود که سازمان نوید توانست علاوه بر ایجاد یک شبکه سراسری اطلاعاتی و خبرگیری، میلیون‌ها نسخه روزنامه نوید و صد ها هزار جزوه و نشریه حزبی را، که از خارج به کشور وارد می‌کرد، در مراکز و مواضع مختلف اجتماعی پخش کند. ساواک برای درهم شکستن سازمان نوید دام‌های مختلف گذاشت، اما اکثر تیرهای او به سنگ خورد. بارها موتور سواران ساواک محلات و مناطقی را که اغلب "نوید" در آنها توزیع می‌شد، محاصره کردند. اما نویدی‌ها

بررسی سیر و سرگذشت "نوید"، تنها نشریه زیرزمینی آخرین و دشوارترین سال‌های اختناق و سرکوب، تنها گشودن دریچه بروی خاضرات یک رزم پیگیر مرگ و زندگی نیست. این بخشی از تاریخ مقاومت خلق ماست که مانند همه نبردهای سیاسی و تودهای، تجربه‌ها و آموزش‌های پربهایی با آن آمیخته است.

"نوید" در شرایطی قدم به کارزار گذاشت که توحش بی‌حجاب و بی‌پروایی تروریسم سازمان یافته دولتی به اوج و جنونی رسیده بود که حتی در ابعاد جهانی کمتر نظیر داشت. خواندن یک کتاب ممنوع، نوشتن یک شعار به دیوار، پخش چندتا اعلامیه، علاوه بر جنبه‌های جسمی و روحی، عقوبتی در حد زندان ابد و گاه اعدام داشت. برای اینکه آمار اعدام‌های بیدریغ و سخاوتمندانه دادگاه‌های نظامی، که روی دوشیم ترین حکومت‌های محاصر را سفید کرده بود، از حد نصاب تکان دهنده‌ای که داشت بالاتر نرود، اینگونه مبارزان یا صحنه‌سازی‌ها و حادثه آفرینی‌های تکراری در کوچه و خیابان‌ها قتل عام می‌شدند.

در پائیز سال ۵۴، گروهی که بعدها بنام "نوید" شهرت یافت و به بزرگترین سازمان مخفی حزب تبدیل شد، به مرکز حزب در خارج از کشور اطلاع داد که آمادگی‌های لازم را برای انتشار یک روزنامه سیاسی افشاگر، تدارك دیده است. این رقفا نوشته بودند:

"بگذارید بذرهای لیل را در زمینی که سر نیزه آنرا شخم می‌زند، بپاشیم"



# د، درسالهای دشوار اختناق و سرکوب

به تجربه دریافته بودند که هم روز و ساعت پخش روزنامه و هم محل توزیع آن نباید تابع قاعده مشخصی باشد. بعضی اینکه در يك محله کارگری روزنامه یا جزیره و شبنامه پخش می‌شد، میدان فعالیت باید بلافاصله به منطقه دور دستی منتقل می‌گردد و تا مدت‌ها از این محله پرهیز می‌شد. وقتی شهر به مناطق مختلف تقسیم می‌شد و مسئولیت پخش در هر منطقه برعهده رفیق خاصی بود، تنظیم این برنامه دشواری نداشت.

اما برای پخش، که خطرناکترین وظیفه سازمان بود، از راه‌های دیگری هم استفاده می‌شد. استفاده از پست معمولی ترین و بی‌خطرترین راه بود. بیش از هشتاد درصد این پاکت‌های پستی به سلامت به مقصد می‌رسید. يك شیوه دیگر قرارداد دادن بسته‌های چند ده‌تایی روزنامه و اعلامیه در محلات شلوغ، یا مراکز کارگری و دانشجویی، یا جلوی در خروجی سینماها بود. در اغلب این موارد، هر عابر یا حاضر بیش از يك نسخه بر نمی‌داشت و عمل پخش بطور طبیعی و با استقبال عطشناک مردم انجام می‌شد. مسئولان شبکه پخش از طریق سمپات‌ها هم، نیز که رابطه تشکیلاتی نداشتند، به امر توزیع روزنامه‌ها و گسترش و عرضه آن یاری می‌رساندند. برای سمپات‌های حاضر شرایط يك یا چند بسته روزنامه فرستاده می‌شد و پخش آن طلب می‌گردد. در صورت ابراز علاقه این همکاری غیر مستقیم، سهمیه پخش را افزایش می‌یافت و او بی‌آنکه رابطه خود را بشناسد و یا حتی برای یکبار ببیند، ظرفیت و امکانات خود را با علائمی که در نقاط و مواضع مقرر تصویر می‌کرد، اطلاع می‌داد.

جز این روابط اندک بفرنج، که ناگزیر سالی و دشواری‌های بسیار نیز بسیار می‌آورد و چه بسا از سرعت و چابکی سازمانی می‌گاست، امکان ادامه کار در سطحی وسیع وجود نداشت. تماس‌های یکطرفه و محدود، به امر آموزش اعضا و فعالین سازمان صدمه می‌زد، اما همه این نقصان‌ها و ضعف‌ها در قبال نوایده و امتیازات آن قابل تحمل و کاملاً بصره بود. رهنمود مرکز حزب چنین بود:

"امنیت سازمان مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسئولیت است. در این حال ایمنی مسئولیت نباید چنان یکطرفه عده شود که فقط "بودن" مطرح باشد و "چگونه بودن" فدای آن شود."

"نوید" در رشد کمی و کیفی خود، تشکیلات سیاسی خویش را نیز گسترش و قوام داد. تجربه لنینی توسعه و تحریک سازمان حزبی و یکدستی و هماهنگی آید تئوریک و سیاسی آن، بر محور انتشار يك روزنامه سراسری، در مقیاس کوچک‌تر، توسط "نوید" تأکید شد. بر گرد "نوید" شبکه پیچیده‌ای از خبرنگاران، پخش کنندگان و سازمان دهندگان پدید آمد و با استعداد سرشاری به رشد و نمو پرداخت. در این گسترش مداوم، اصل شالوده‌های تشکیلاتی حزب، که قویا بر دم تمرکز تکیه داشت، در عمل صحت و کاربری خود را نشان داد و به‌نابه کلید طلایی سازماندهی در شرایط اختناق خونین ایران آریامر زده، عمل کرد. هیچیک از شبکه‌های "نوید" مستقیماً با هم تماس نداشتند، در حالی که اعضای يك شبکه نیز، که زنجیروار بهم مربوط بودند، اکثر نام و نشان واقعی یکدیگر را نمی‌دانستند. اصل سازمانی عدم تمرکز از سال‌های ۴۹-۵۰، پد نیال ضرر سه خوردن تشکیلات تهران و خیانت عباس شهریار، که منجر به در هم شکستن ستون فقرات حزب در داخل کشور شد، و یا الهام از تجربه و سرمشق بلشویک‌ها در سال‌های دشوار اختناق تزاری، پیاده گردید و در عمل ثمرات درخشانی بیار آورد. چنانکه در سند حزبی "حزب توده ایران در عرصه سیاست روز" آمده است:

"ما بر اساس شیوه جدید، یعنی سیستم غیر متمرکز، توانستیم سازمان هائسی را که بوجود آمده، از چنگ ساواک، که نیرومندترین مرحله حیات خود را در دهساله اخیر می‌گذراند، حفظ کنیم. در این دوران هیچیک از گروه‌های ما به چنگ ساواک نیفتاد. ما گروه‌های بسیار تشکیل دادیم و اینها غیر از گروه‌هایی است که بدون ارتباط با مرکز حزب در ایران بوجود آمدند و توانستند خود را حفظ کنند. ما در آستانه انقلاب بیش از ۶۰ گروه حزبی با مقیاس‌های مختلف داشتیم. از گروه‌های کوچک گرفته، تا گروه‌ها و سازمان‌های بزرگ، که بزرگترین آنها سازمان "نوید" بود. (حزب توده ایران در عرصه سیاست روز، ص ۲۵)

جرقه‌ای گذرا از آتش‌فشان صمیمان و نبرد خلق به ظلمت کده این بلندکوه‌ها و دروغ باغان راه نمی‌یافت، "نوید" در شکستن دیوارهای سانسور و اختناق نقش بسزائی داشت. تنها در ۱۰ شماره اولیه "نوید" ۹۸۰ خیر مکتوم نگه‌داشته شده در باره تظاهرات و اعتصابات کارگری، ۵۱ خیر در باره مبارزات دانشجویی، ۲۱ خیر در مورد زندان‌های سیاسی و مبارزات و مسایل زندانیان و ده‌ها خیر و ماجرای سری در باره ارتش، سیاست خارجی، مبارزات خلق، فساد و تاراج دربار و طرح‌ها و نقشه‌ها و جنایات ساواک به چاپ رسید. در گورستان دیکتاتوری، هر خبر، بشکای باروت است. حکومتی که چهره خود را با دروغ و سفسطه و ریا و تحریف بزرگ می‌کند، بطلبه مویائی کهنهای است که نسیم واقعیات آنرا از هم می‌پاشد.

رژیم شاه که بزرگترین دروغ تاریخ مینهن ما بود، "نوید" را چون خاری در چشم خود می‌یافت. از اینرو برای یافتن سر نخ که او را به کانون‌های اصلی "نوید" هدایت کند، در چند هجوم وسیع پارهای از توده‌های قدیمی و عناصری را که تعالیات توده‌های داشتند و یا احساس می‌شد که چنین گرایش‌هایی دارند، دستگیر کرد. اما هیچیک از این تیره‌های تصادفی هم که در تاریکی رها شده، به هدف اصابت نکرد. شبکه خبری و اطلاعاتی "نوید"، که زوین زهر آلود آن بود، نه تنها در مناطق مختلف کشور امتداد می‌یافت، بلکه به تدریج عمیق‌تر در مواضع و مراکز حساس دشمن نفوذ می‌کرد. این نفوذ خود به یافتن دسترسی بیشتر به منابع خبری و فضای آنها یاری می‌رساند.

در کنار این فعالیت افشاگرانه، که تند شدن نجر، انقلاب بر دامنه وحدت آن می‌افزود، ترویج مارکسیسم و تبلیغ تئوری علمی انقلاب از وظائف عده سازمان بود. اکثر اعلامیه‌ها و اسناد و مقالات سیاسی و تئوریک حزب توده، ایران، چه در صفحات روزنامه نوید و چه بصورت مجزا در تیراژهای نسبتاً بالا منتشر و در تهران و بیش از ۲۰ شهر کشور پخش می‌شد. تنها در ظرف یکسال قبل از انقلاب، سازمان نوید بیش از ۳۰۰ هزار نسخه روزنامه مردم ماهنامه، دنیا و کتب و آشکار مارکسیستی، را که مرکز حزب در خارج از کشور، بقطع کوچک و با حروف ریز چاپ می‌کرد، در سطح مملکت توزیع کرد. از آنجا که انعکاس خبرهای منتشر شده و افشای آنها و تفسیرهای سیاسی روز، کمتر مجال برای بحث‌ها و مسایل تئوریک در صفحات محدود "نوید" باقی می‌گذاشت، از آن جا که مبارزه آید تئوریک با انواع انحرافات جنبش‌چپ ایران، که از فقدان تئوری سالم مارکسیستی و نفوذ انواع نظرات و شبه تئورهای انقلابیگری خرد و بورژوازی، نیرومند شده بود، بصورت ضرورت میرمی رخ می‌نمود، از آنجا که جنبش‌های خود به خود طبقاتی و صنفی توده‌های، در متن شرایط مساعد عینی دم به دم تواناتر می‌شد و افزایش می‌یافت و این حرکات مبارزاتی، آمیزش هر چه بیشتر با تئوری راه‌گشای انقلابی را می‌طلبید، سازمان نوید در کنار توزیع کتب و آثار مارکسیستی، انتشار نشریه تئوریک و سیاسی "پسوی حزب" را نیز ادامه می‌داد.

"پسوی حزب" میراث رفیق شهید "هوشنگ تیزایی" بود که در خفقان انگیزترین و عقیم‌ترین فصل تاریخ معاصر ایران، به همت سلحشوران او منتشر می‌شد. با شهادت این رفیق، کار انتشار پسوی حزب نیز منقطع شد، تا سرانجام مرکز حزب بر آن شد که این رسالت ناتمام را بر عهده دیگر مبارزان حزبی بگذارد و قرعه بنام "نویدی" ها اصابت کرد. مرکز حزب از رفقای "نوید" پرسید:

"حاضرید این درفش خونین را که بر زمین نبرد افتاده، دیواره به اهتزاز در آورید؟"

رفقای "نوید" پاسخ دادند:

"این افتخار بزرگی است. روح مشتعلی که در ورای نام "پسوی حزب" آرمیده است، دیگر بار در نخستین سنگرهای انقلاب، حاضر خواهد شد. بگذار پیکر فرقه در زخم و خون رفیق تیزایی، از زیر خاک لبخند بزنند..."

مسأله شالوده‌های اینجاست که در شرایط اختناق و سرکوب بی‌پروا، بایست مناسب‌ترین و کم ضایعه‌ترین شیوه تعرض و دفاع و تدارک کشف شود، و گر نه شکست یا نارسائی يك یا چند شیوه و شکل مبارزه سیاسی، به معنی بن بست مبارزات غیر-صلحانه نیست. بازوی نظامی در خدمت هدف سیاسی است و هر جا که حزب و سازمان سیاسی بصورت زنده و فرعیات تشکیلات نظامی درآید، از مارکسیسم انقلابی تنها کاریکاتوری بر جای خواهد ماند.

# آقای وزیر کار؛ در حرف، مدافع تشکل؛ و در عمل، ضد تشکل است

## خواست کارگران، مشارکت فعال در تدوین قانون جدید کار است!

البته که در این مدت کارگران، نباید تحقیق خواسته‌های خود را طلب کنند و پس از آنهم، بقول وزیر کار سابق "باید صبر کرد تا پیش نویس قانون کار بر مبنای اسلام، قفاهتی تهیه شود" و ۰۰۰ خلاصه "فیلم نامه‌ای" که بارها و بارها بازی شده و صحنه صحنه آن را، همسه از پسر می‌دانند!

اما، این فیلم کند و تکراری، دیگری تماشاگری ندارد! کارگران زحمتکش و محروم ما، که تدوین فوری قانون کاری پیشرو را می‌طلبند - قانونی که اصل و مرفی قانون اساسی، در آن رعایت شده باشد. آخرین مراحل "صبر ایوب وار" خود را طی می‌کنند!

آنان می‌طلبند قانون کاری که با مشارکت فعال و یاری همه سویه آنان تدوین می‌شود،

قانونی باشد که کلیه کارگران شاغل در رشته‌های صنعتی، کشاورزی، ساختمان و خدمات را در بر گیرد، برای تعدیل استثمار و تأمین رفاه کارگران اقدامات اساسی به عمل آید، ساعات کار تقبیل پذیرد و در مورد کارهای سخت و زیان آور، ساعات کار از میزان معمولی کمتر باشد. حق اعضا کارگران، قانونی شناخته شود. حداقل دستمزد متناسب با هزینه زندگی یک خانواده چهار نفری محاسبه گردد و همراه با افزایش هزینه زندگی و نرخ تورم افزایش یابد. دستمزد و مزایای کارگران از قبیل حق مسکن، حق اولاد و سهم سود، جز حقوق ثابت کارگران منظور شود. کار کودکان کمتر از ۱۵ سال ممنوع باشد. مرخصی و تعطیلات کارمندان و کارگران، برابر اسلام شود و برای ایام مرخصی کارگر و خانواده‌اش محل استراحت در نظر گرفته شود و کمک هزینه استراحت پرداخت گردد.

زنان کارگر، از حقوق برابر با مردان برخوردار شوند و به مناسبت انجام وظایف مادری، تسهیلات ویژه از جمله، مرخصی قبل و بعد از زایمان، مراقبت‌های دوران بارداری، محفوظ ماندن محل شغل و تأمین مهد کودک و غیره، در نظر گرفته شود. کار شبانه و مشاغل سخت و زیان بخش به زنان کارگر ارجاع نشود. شبکه کلاسهای آموزش حرفه‌ای و کلاسهای سواد آموزی به کارگران سواد بیاموزد. تأمین شغلی منظور گردد. آموزش و بهداشت رایگان برای کارگر و خانواده‌اش تضمین شود. مسئله مسکن کارگران با ایجاد شبکه خانه‌های سازمانی، در قبال اجاره بیهای اندک فیصله پذیرد. بهداشت کار رعایت شود، حفاظت فنی در کارخانه‌ها وجود داشته باشد. کلیه کارگران کارخانه‌ها و کارگاه بقیه در صفحه ۳

مسکن کارگران شدند، مشخص کردن نحوه دخالت شوراهای اسلامی کارخانجات در امر تولید، همکاری وزارت کار با صنایع ملی جهت تشکیل کلاسهای برای تربیت مدیران از پیش کارگران متعهد و توانا و همچنین تغییر ماده ۳۳ قانون کار سابق و تقویت طرح شوراها از دیگر خواسته‌های این عده بود. (کیهان، ۱۴ مهر)

آیا کارگرانی که روزهای سه شنبه، "عده ملاقات خصوصی" به آنها می‌دهد، "مشکلاتی" غیر از آنچه اعضای شوراهای کارگری در این سمینار مطرح کردند - یا خواسته‌هایی نظیر آن را - دارند؟! آیا کارگرانی که به آنها "عده ملاقات خصوصی" می‌دهد، از ابتدای انقلاب تا کنون، صریحا و قاطعانه از مسئولان، خواسته "برخورد جمعی" یا خودنیزه‌اند؟! آیا "تک تک" همین کارگران، هزاران بار، با صدای بلند و از پشت هر تریبون که به زحمت به دست می‌آوردند، اعلام نکردند که: "بر پاشی نهاد های سند یگانی و شهربانی، ضرورت تأخیر ناپذیر انقلاب است.؟!"

پس این "به نعل و به میخ کوفتن" به چه معناست؟! پس این تأمل و تردید و تعویق به محسالت کردن به چه معناست؟! جز اینکه مسئولین ج ۱۰۱۰ - و به تبع آنها مسئولین وزارت کار - کمتر از آنچه که ادعا می‌کنند، به "مشکلات" و "مسائل" کارگران - و به تبع آن انقلاب - بها می‌دهند و همانگونه که در عرض این ۵ سال نشان دادند، برآنند تنها به "حرف" بسنده کنند و از این بابست دغدغه‌خاطری به خود راه ندهند؟! البته، ناگفته پیداست که این تنها عبوردی نیست که مسئولین ج ۱۰۱۰ و آقای وزیر کار، انجام آن را به عهده "محال" واگذاشته، در مورد تدوین قانون کاری پیشرو، که یکی از اساسی ترین خواسته‌های طبقه کارگر، بلافاصله پس از انقلاب بوده و هست نیز، همانند سایر داده می‌شود خبرنگار ج ۱۰ می‌پرسد:

"وزارت کار در ارتباط با قانون کار، که از مسائل اساسی کارگری در نظام ج ۱۰ است چه اموری و کارهایی را در نظر دارد و دنبال می‌کند؟! و آقای وزیر کار پاسخ می‌دهد:

"به اعتقاد من از وزارت کار نباید این انتظار را داشته باشیم که تدوین کننده قانون باشد." و به این ترتیب، آقای وزیر کار، چند ماهی را تدارک می‌بیند تا مسئله اینکه "چه کسی؛ زنگوله را به گردن گریه بیندازد" به "رفع شود" و

تجربه ۵ ساله پس از انقلاب، این نکته را به مردم ما آموخته است که بین حرف و عمل سردمداران ج ۱۰۱۰، آنچنان مغاک ژرفی گسترده است، که صبر از آن امکان ناپذیر است. این تجربه را یکبار دیگر هم می‌توان آموخت. توجه به مضمون گفته‌های آقای وزیر کار "اقدامات مهمی" که تا کنون انجام داده‌اند، و نیز تناقضی که خط اصلی در آن گفتار و این کردار است، این واقعیت خدشه ناپذیر را آشکار می‌سازد.

آقای وزیر کار، در گفتگویی با خبرنگار ج ۱۰ از يك سو با لگنت زبان، به تعریف و تمجید از این نهاد می‌پردازد و از سوی دیگر از روی روشن شدن با نمایندگان همین شوراها، بهره‌بردار می‌کند. در حرف، از "رسمیت شناختن" شوراهای کارگری دم می‌زند و در عمل، به عنوان "اقدامی مهم" رسمیت آنان را به زیر علامت سوال می‌برد. آقای وزیر کار در عباراتی کلی می‌گوید:

"قانون شوراهای اسلامی کار، يك قانون جامع و مفیدی است که با تصویب این چنین لایحه‌ای امید است امر تولید پیشرفت بهتری داشته باشد" (۱۷ مهر). و در جایی دیگر، به گزارش خبرنگار کیهان از "سمینار طرح شوراهای اسلامی کارگران" می‌گوید:

"وی در مورد، اقدامات مهمی که تا کنون پس از تصدی این مقام از سوی وی انجام گرفته است گفت: برنامه عده ما، نزدیک کردن کارگران و مسئولان وزارت کار، می‌باشد و در این جهت روزهای سه شنبه را نیز در اینجنا اختصاص به شنیدن مشکلات آنها داد ما می‌وسعی می‌کنیم این مشکلات را رفع کنیم" (۱۴ مهر).

صرف نظر از اینکه آیا یا ظل السحر "نصیحت" و توجیه" و "حوصله"، تا چه میزان در رفع مشکلات "کارگران" سودمند می‌افتد، جا دارد از آقای وزیر کار بپرسیم اگر "شوراها" می‌توانند در امر پیشرفت تولید کمک کنند، چرا در مورد فعال کردن ۸۰ قانون شورایی - که به دلیل تصمیمات ضد کارگری توکلی و شرکاء - از ۳۰۰ قانون کارگری باقی مانده - "اقدام مهمی" انجام نمی‌دهد و به جای آن که با تک تک کارگران، عده ملاقات یگد ارید، با نمایندگان واقعی و هیئت منتخب آنان به گفتگو نمی‌نشینید و به عنوان "دومین اقدام مهم" خود، به خواسته های اعضا این شوراها که در همین سمینار هم مطرح شده، ترتیب اثر نمی‌دهید؟! اعضای شوراهای کارگری:

"خواهان رسیدگی به وضع بهداشت و

خواهان رسیدگی به وضع بهداشت و

خواهان رسیدگی به وضع بهداشت و

خواهان رسیدگی به وضع بهداشت و

خواهان رسیدگی به وضع بهداشت و

خواهان رسیدگی به وضع بهداشت و

## اعلامیه سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۲-۶۳

## در دفاع از انقلاب و حقوق جوانان بی‌خیزیم

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تا به آنجاست که بموجب تازه‌ترین مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش زیر عنوان " مشارکت مردم در تأسیس و اداره مدارس اسلامی غیر انتفاعی " به سبب دوران آرپامهری دست‌پخش خصوصی برای سود- جوشی‌های سود اگرا نه در امر آموزش و پرورش باز گذاشته شده است .

نگاهی دقیق تر به وضعیت نظام آموزشی کشور واقعیت اسفبار آنرا بیشتر آشکار می‌سازد . هنوز هم بطور متوسط از هر ۱۰۰ کودک ایرانی ۲۰ نفرشان نمی‌توانند حتی خواندن و نوشتن یاد بگیرند، از هر ۱۰۰ جوان ایرانی که بدستان راه می‌یابند فقط ۵۰ نفرشان می‌توانند به دوره راهنمایی برسند و از هر ۱۰۰ نفر از آنها، ۷۵ نفرشان حتی رنگ دبیرستان را هم نمی‌بینند . البته این میانگین در روستاها و در استانهای محروم تر کشور از این هم اسفبارتر است . دروسی که در این مدارس تدریس می‌شود هیچگونه نزدیکی و مشابهتی با نیازهای واقعی کشور که راه استقلال ، خودکفائی و پیشرفت را باید بیاموزد ندارد . در سال ۱۳۶۰ ، ۸۵٪ از دانش‌آموزان متوسطه عمومی در رشته‌های نظری مشغول به تحصیل بودند که از این میان فقط ۷٪ در رشته ریاضی - فیزیک به تحصیل اشتغال داشتند از کل دانش‌آموزان متوسطه عمومی تنها ۱۴٪ در شاخه فنی و حرفه‌ای، آنهم در سطح بسیار نازل آموزش دیدند . کارگاه ، آزمایشگاه و کتابخانه در مدارس جز " اقلام لوکس به شمار می‌روند، تنزل سطح علمی و آموزشی در مدارس بویژه در نتیجه اخراج معلمان و دبیران با تجربه و متعهد به انقلاب و با انتصاب معلمان و دبیران فاقد صلاحیت بد درجات مصیبت‌بارتری رسیده است . اکنون روش‌های تربیتی فاجعه آمیزی در مدارس کشور اعمال میشود . تنبیه بدنی که یکی از مظاهر مردود شیوه‌های تربیتی است در اغلب مدارس کشور به صورت امری رایج درآمده است . نه تنها تحصیل " همگانی و رایگان " نشده بلکه مواج تازه تری در راه تحصیل کودکان ، نوجوانان و جوانان اقمار و طبقات زحمتکش و محروم پدید آمده است . از جمله این مواج یکسان کردن امتحانات ثلث دوم و سوم ، د و سه کردن بی‌رویه برخی مدارس شهرهاست که اکثر کودکان و نوجوانان روستائینسین حومه این شهرها را از تحصیل محروم کرده است . جداسازی دختران و پسران حتی در کلاسهای ابتدائی نمونه دیگری از این دست است . چرا که به بهانه " فقدان امکانات برای تشکیل کلاس مجزا ، دختران بسیاری از روستاها را اساساً از تحصیل محروم ساخته‌اند . اجازه ندادن به دبیران مرد برای تدریس در دبیرستانهای دخترانه که با کمبود دبیران زن در بعضی از رشته‌های علمی تعدادی از دختران را از تحصیل در این رشته محروم کرده است و انحلال کلاس‌های کمتر از ۳۰ نفر دو نمونه قابل ذکر دیگر است . تنها طرحی که برای تغییر نظام آموزشی از جانب آموزش و پرورش در ۲ ساله اخیر ارائه گردید طرح کاد بود که تجربه ، شکست آنرا به اثبات رساند و نشان می‌دهد شیوه " آموزشی " استادشاگردی در کارگاه‌های کوچک با تکنیک‌های ابتدائی چقدر کم حاصل ، عقب مانده و بی‌فایده در شرایط امروز جهان است . علیرغم این تجربه طرح کاد قرار است در سال جاری برای دختران دانش‌آموز بشکل کارآموزی در خانه‌هایشان در رشته‌های آشپزی ، گلدوزی ، خیاطی و بچه داری به اجرا درآید که در حقیقت تفرندی برای خانه‌نشین کردن دختران دانش‌آموز می‌باشد . وضعیت اسفبار نظام آموزشی کشور باعث شده است تا تعداد افرادی که در ۲ سال گذشته ترک تحصیل کرده‌اند و یا مردود شده‌اند - بویژه در مقطع متوسطه به ارقامی برسد که در تاریخ ۱۰ ساله اخیر آموزش و پرورش ایران بی‌سابقه است .

وضعیت آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور نیز اظهر من الشمس است . تعطیل زیانبار دانشگاهها ، جامعه را از نیروهای متخصصی که می‌توانستند نقش حیاتی در بازسازی انقلابی کشور داشته باشند محروم ساخته است . نه تنها این امر انقلاب را از متخصصان جوان انقلابی محروم ساخت بلکه راه را برای تصاحب مراکز کلیدی توسط " آقاها دگان " از فرنگ برگشته هموار نمود . بر پایه یک گزارش از مجرمانه ، نسیا و سازمان‌های جاسوسی دیگر کشورهای امپریالیستی مساعدترین عناصر را از میان ۳۰ هزار دانشجوی ایرانی که در غرب بویژه آمریکا ، انگلستان ، آلمان غربی و فرانسه به تحصیل اشتغال دارند انتخاب می‌کنند و بر طبق یک برزافه حساب شده زیر نفوذ خود در می‌آورند ، سپس این عناصر را با کمک جاسوسان و دوستان خود در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در مراکز کلیدی و مقامات حساس می‌گمارند تا در جهت مسخ و شکست انقلاب و ظایفی را که به آنها سپرده شده است به انجام برسانند . هم اکنون مهم ترین وزارتخانه‌ها ، پست‌های معاونت و مدیریت کل در بیشتر وزارتخانه‌ها و نیز مدیریت عمده ترین موسسات

بقیه در صفحه ۱۴

در آستانه پنجمین سال تحصیلی پس از انقلاب قرار داریم . میلیونها تنساز کودکان ، نوجوانان و جوانان در سراسر میهن ما خود را برای سال تحصیلی جدید آماده می‌کنند، آنان با بیم و امید به روزهای آینده می‌اندیشند و بر آنند که تلاششان برای کسب علم و دانش و مبارزاتشان در راه تحقق آماجهای انقلاب پر ثمر و پیروزی آفرین باشد . سازمان جوانان فدائی خلق ایران ( اکثریت ) آغاز سال تحصیلی جدید را به همه دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌هایشان ، به همه فرهنگیان زحمتکش و دانشگاهیان ترقیخواه میهن شادباش میگوید و سال پر ثمر ، و موفقسی را برایشان آرزو می‌کند .

## دانش‌آموزان ! دانشجویان ! جوانان زحمتکش !

صفحات درخشان از تاریخ مبارزات رهایی بخش مردم میهنمان از جمله با فداکارهای حماسه آفرین شما در به ثمر رسیدن انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ ، در راه پیشروی انقلاب بزرگ مردم ایران و حفظ دستاورد های آن آذین یافته است . بسیار کسان از میان شما در شمار نخستین شهیدان انقلابند که همسنگر با توده های دها ملیونی مردم زحمتکش ایران ، در راه نیل به استقلال ، آزادی و عزالت اجتماعی بکفایت رسیدند . جوانان زحمتکش ، انقلابی و ترقیخواه ایران در تمام صحنه‌های پیشکار برای تعمیق انقلاب با فدکاری علیه دشمنان انقلاب و مردم مبارزه کرد ماند . تصادفی نیست که در تاریخ ۵ ساله انقلاب ایران تسخیر لانه جاسوسی شیطان بزرگ ، آمریکای جنایتکار که نقطه عطفی در ژرفش جنبه‌های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ماست بنام دانشجویان مسلمان و دگراندیش مدافع خط انقلاب به ثبت رسید . بدون تردید در آینده نیز نقش جوانان زحمتکش ، انقلابی و ترقیخواه ایران در دفاع از انقلاب و دستاورد های آن همچنان نقش حساس و موثر خواهد بود . بدلیل چنین نقشی است که دشمنان انقلاب با تمام توان در این راه کوشید و می‌کوشند که انقلاب را از این منبع عظیم انرژی که بالنده ، پهرشور و انقلابی است محروم سازند . امپریالیستها بسرکردگی آمریکا با کمک دوستان و جاسوسان خود و آن نیروهایی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که در راه مسخ و شکست انقلاب گام بر می‌دارند برای گمراه ساختن جوانان سرمایه‌گذاری می‌کنند . تخم تفرقه و انحراف را در میان آنان می‌پراکنند و در این راه میکوشند که جوانان را از انقلاب سر خورده و مایوس سازند و حتی به ریاوروشی با آن برانگیزند . درکنار چنین تلاشهای رذیلانه و پلیدی ، آنان در تمام اموری که به حال و آینده جوانان کشور مربوط میشود دست به خرابکاری میزنند و به پیشبرد سیاستهای یاری می‌رسانند که حاصل آن خارج کردن جوانان از صحنه و محرومیت انقلاب از قدرت سازندگی آنانست . تاریخ ۵ ساله انقلاب ایران از چنین تلاشهای ضد انقلابی و پلیسیدی مشحون است . در این زمینه نیز تردید و تزلزل نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت در اتخاذ و پیشبرد سیاست واقع‌بینانه و متکی بر آماجهای اساسی انقلاب و روح ضد امپریالیستی و مردمی قانون اساسی نتایج فاجعه بار خود را بیار آورده است . اکنون جوانان کشور در شرایط اسفباری بسر می‌برند که جدا از وضعیت تلخ و فاجعه باری که مردم و انقلاب در آن قرار دارند نیست ، حال و آینده میلیون ها جوان و نوجوان ایرانی را خطر یأس ، تهاهی و تاریکی تهدید می‌کند . بیکساری در میان جوان بیداد می‌کند، حتی بر پایه آمار انتشار یافته وزارت کار و امور - اجتماعی ، ۸۳۲ هزار تن از بیکاران ، دیلمه‌های جوان فارغ التحصیل از دبیرستان های کشورند که هیچگاه نتوانسته‌اند شغلی برای خود بیابند . دامنه فساد و گمراهی های اجتماعی و اخلاقی در میان جوانان و نوجوانان کشور بالا گرفته است . درصد بالایی از آمار معتادان کشور را جوانان و نوجوانان کشور تشکیل می‌دهند . جنگه تحمیلی به مردم ایران و عراق که امپریالیستها ، ارتجاع منطقه و راستگرایان در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در شعله ور نگاه داشتن آن دینفعدن بیشترین قربانی را از میان نوجوانان و جوانان کشور می‌گرد .

نظام آموزشی کشور در تمام سطوح ابتدائی ، متوسطه ، عالی نه تنها دستخوش درگرونی بنیادین در جهت تحقق آماجهای انقلاب نشده بلکه به انحطاط نسیز کشیده شده است . خالی شدن محیط آموزشی کشور از معلمان و استادان پایه سابقه ، متحیر و متعهد به مردم و انقلاب که با تصفیه و اخراج های ضد انقلابی و مغرضانه صورت گرفت محیط آموزشی کشور را جولانگاه عناصر نا آشنا به اصول تربیتی و کم سواد در رشته‌های علمی و بویژه وابستگان به انجمن آمریکایی - انگلیسی حجتیه ساخته است . اکنون محیط آموزشی کشور محیطی آکنده از اختناق ، تنفیش عقاید ، تعلق و چاپلوسی و ریا و تزویر ، مخرفه پرستی و تبلیغات مسموم و تلقینات ضد علمی و ارتجاعی است . غلبه خط مدافع تاریکی سرمایه‌داری و سازش با امپریالیسم در

# در هفته ای که گذشت:

نیست! تنها به این دلیل نیست که سیستم آزمووده شده توزیع دولتی را بی آبرو کند، بلکه به این خاطر هم هست که نگاههای پر شرر مردم را از جستجوی کسانی که انقلاب را در ورطه شکست و ناپودی افکند مانده منحرف سازد، به این خاطر هم هست که سرمایه داران بزرگ را که با حفظ سمت از مداخله مستحکمترین های بزرگ هم هستند، از زیر ضرب خارج کند.

اگر جز اینست، چرا این دولت به اصطلاح "برآمده از دل مردم" به کمترین خواست همین مردم، تن در نمی دهد و با گسترش سریع و برنامه ریزی شده "تعاونی های واقعی" مردمی، "جان به لب رسیده" آنان را از چنگال محتکرین و گران فروشان "سرمایه دار" نجات نمی دهد؟!

## حاکمیتی که هم طرفدار سرمایه دار و هم طرفدار فتودال است!

آقای محمد حسینی نماینده رودسر در مجلس می گوید:

"در یکماه مرخصی مجلس، من به حوزه انتخابیه خودم، در جاهایی که هنوز پای اتومبیل به آنجا نرسیده، رفتم و دیدم که اربابان گذشته فراری یا همدستی مأمورین انتظامی در حال چیدن فندق و گرد و برای خود هستند، مردم محروم ما که با تپش انقلاب به جلو آمده بودند، به تدریج می ترسند و احساس می کنند که آنها با تشکل جدیدی می خواهند به صحنه سیاست و اقتصاد این مملکت برگردند - برمی گردیم به دادگستری و می بینیم که نیروهای جوان و انقلابی ما که بر سر معیارهای انقلابی ایستاده بودند، با همدستی جناحهایی که در دادگستری هستند، به زندان کشیده می شوند و شلاق می خورند و می خواهند از نیروهای انقلاب انتقام بگیرند. ارگانهای انقلابی با هم در مقابل این تعدی ها می ایستند، اما کسی به داد این مردم نمی رسد."

وی سپس به درستی به ادعاهای پوچ رهبران ج ۱۰ و عدم توانایی حاکمیت در حل مسائل بنیادی انقلاب و توجیه آن به وسیله جنگ اشاره کرده و می گوید:

"ما مشکلاتی را می بینیم که در برابر چشم ما گشوده است و قابل حل است و ایمن، آن فشاری نیست که بعضی ها می خواهند بگویند به علت جنگ این وضعیت پیش آمده است. آیا اگر جنگیانی بیاید و در محیطی که جاده نیست وقتی که می خواهد چوب بگیرد برای عده پولدار و ثروتمند بگیرد و فقرا خانمشان آب بیزرد و زندگی روزمرشان مورد مخاطره قرار بگیرد، این تحت فشار جنگ است؟ آیا این را می شود به این صورت توجیه کرد که مثلا فشار جنگ باعث شده که این کارها انجام شود، و اینرا ما در حال تکوین می بینیم و به مسئولین محترم ج ۱۰ هشدار می دهیم، ما که گفتیم، انقلاب نه طرفدار سرمایه دار و نه طرفدار فتودال است، چگونه چهار سال بقیه در صفحه ۱۳

مأموریت این نیرو، مداخله در بحرانهایی است که نقل و انتقال نفت را مختل می کند.

همچنین گفته می شود، آمریکا از این نیرو برای بلز نگهداشتن خطوط کشتیرانی در خلیج فارس استفاده خواهد کرد.

آمریکا بر اساس موافقتنامه های با اردن، طبق این طرح، بودجه مالی و آموزش نظامی چنین نیرویی را تأمین می کند. دولت ریگان، قصد دارد ۲۰۰ میلیون دلار به این نیرو اختصاص دهد که قسمت عمده آن به منظور خرید هواپیما های نظامی است. همچنین بر طبق آخرین اخبار منتشره در روزنامه ها، آموزش اولین گروه از سربازان اردنی، هم اکنون شروع شده است. این اقدامات امپریالیسم و سایر همکارانش در منطقه، چیزی جز بیان صریح سلطه جویسی و حکمرمایی، زور و تهدید، فشار و شانناژ بمنظور ظلمت منابع خلقها و سوء استفاده از موقعیت استراتژیکی آن علیه اتحاد شوروی و سایر نیرو های مترقی در منطقه نیست.

## کل بود، به سبزه هم آراسته شد!!

بد نیال سخنان آقای خاموشی، نماینده سرمایه داران بزرگ بازار تهران در مجلس شورایی اسلامی و پافشاری ایشان بر لزوم سپردن کلیه مراکز توزیع کشور به "دستان پر قدرت" بخش خصوصی - که شرح آن در شماره قبل "راه توده" آمد - آقای سید ابوالفضل تبریزی، نماینده مردم "تبریز، نیز، روز پنجشنبه ۲۸ مهر ۶۲ در جلسه "طنی مجلس، با اشاره به سیستم ضد مردمی توزیع که از جانب دولت اعمال می گردد، در "اثبات" ادعای خود که "بخش خصوصی بهتر از بخش دولتی مشکل توزیع را سامان می دهد"، از جمله چنین گفت:

"در این مملکت قبل از آنکه دولت مداخله بکند، مسئله های بنام چای نداشتیم ۵۰۰ مسئله پنج همینطور ۵۰۰ اگر هدف دولت این است که وسائط (واسطه ها) را بین مصرف کننده و تولید کننده حذف بکند ۵۰۰ اما در این جهت هم می بینیم، دولت واسطه خوب نتوانست باشد ۵۰۰ دولت ناظر خوب می تواند باشد، اما تاجر خوب نمی تواند باشد."

در حقیقت آقای ابوالفضل موسوی تبریزی نیز، همچون آقای خاموشی و دیگر دوستانشان، با استفاده از آبی که دولت، از سر اهمال و بی بند و باری و بی برنامه گسی، گل آلود کرده، به سبزه صید ماهی مشغول شده اند، تمام بی سامانیها و دشواری های امر توزیع را به گردن "سیستم توزیع دولتی" می اندازند و خود را بجنسوان قهرمانانی که برای اولین بار "راه حلی" برای رفع مشکل توزیع یافته اند، جا می زنند.

این گونه "سوء بهره برداری ها"، تنها بمنظور هر چه بیشتر "سرکشیه کردن" مردم

## عملیات "والفجر" و بمباران دزفول و مسجد سلیمان

بد نیال حمله اخیر ایران با نام "والفجر" و تصرف بخشی از خاک عراق در هفته گذشته، حکومت عراق نیز دست به عمل تلافی جویانه ای زد. دو شهر دزفول و مسجد سلیمان را بمشک بست. در اثر این حمله، موشکی جنایت بار، ۱۸۰ تن از هم وطنان بیگناه ما کشته و بیش از ۵۰۰ تن زخمی شدند.

در یکماه گذشته، این دو زمین بار است که مردم قهرمان و ستندیده ما، فساد ای حمله موشکی ضد مردمی رژیم صدام می شوند. در این مهلکه خونبار تنها مردم ایران نیستند که هر دقیقه و هر ساعت در آتش جنگ پرافروخته امپریالیسم می سوزند، بلکه مردم عراق نیز محکومند با خون خود که بیهوده ریخته می شود، عطش سیری ناپذیر ارتجاع عراق و امپریالیسم جهانی را فرو بنشانند.

امروز دیگر همه بر این واقعیت صحه می گذارند که تنها امپریالیسم و ارتجاع بین المللی است که از آداب این جنگ فرسایشی سود می برد. در واقع جنگ ایران و عراق، بهانه مناسبی بدست امپریالیسم داد تا در امور داخلی مسلط منطقه دخالت کند، بر کانونهای آتش افروزانه خود بیافزاید، و به ارتجاع منطقه و به خصوص ارتجاع دو کشور ایران و عراق یاری رساند. رویدادهای ۳ ساله این جنگ، بر همه آشکار ساخته است که تنها زحمتکشان دو کشور ایران و عراق اند که فشارهای اقتصادی و توان فرسای ناشی از جنگ را بردوش دارند و سرمایه داران و تجار بزرگ، جیبهای خود را از سود های کلان پر می کنند. در واقع آنها هستند که از "برکت" جنگ بهره می گیرند و از همین رو نیز فریاد های "جنگ، جنگ تا پیروزی" شان، به آسمان رسیده، آنها هستند که از "برکت" ادامه جنگ توانستند اهرمهای عده سیاسی و اقتصادی را در دست بگیرند و حکومت "ستبدان" را بر سر دست قدرت بنشانند. در این میان، تنها توده های زحمتکش هستند که زیان می بینند و جان و مال و هستی خود را از دست می دهند و درست به این دلیل است که خواستار پایان دادن به این جنگ بی سرانجامند.

## تشکیل نیروی کماندوی اردنی

توطئه های سلطه جویانه امپریالیسم آمریکادر منطقه خاور نزدیک و خلیج فارس، هر روز ابعاد تازه ای می گیرد. در هفته گذشته، خبر گزاریهایی جهان اعلام کردند که مقامات دولتی آمریکا با مشاورت نمایندگان کنگره، این کشور تصمیم گرفتند یک نیروی کماندوی اردنی تشکیل دهند.

# مخالفان واقعی صلح در لبنان

تنها از "برکت" حضور نیروهای تجاوزگر خارجی است، که برآند "صلح" دلخواه خود را به مردم لبنان تحمیل کنند. تنها قربانی این وقایع، مردم لبنان اند که کشورشان به جولا نگاه امپریالیسم بدل شده، نه نیروهای مداخله گر خارجی!

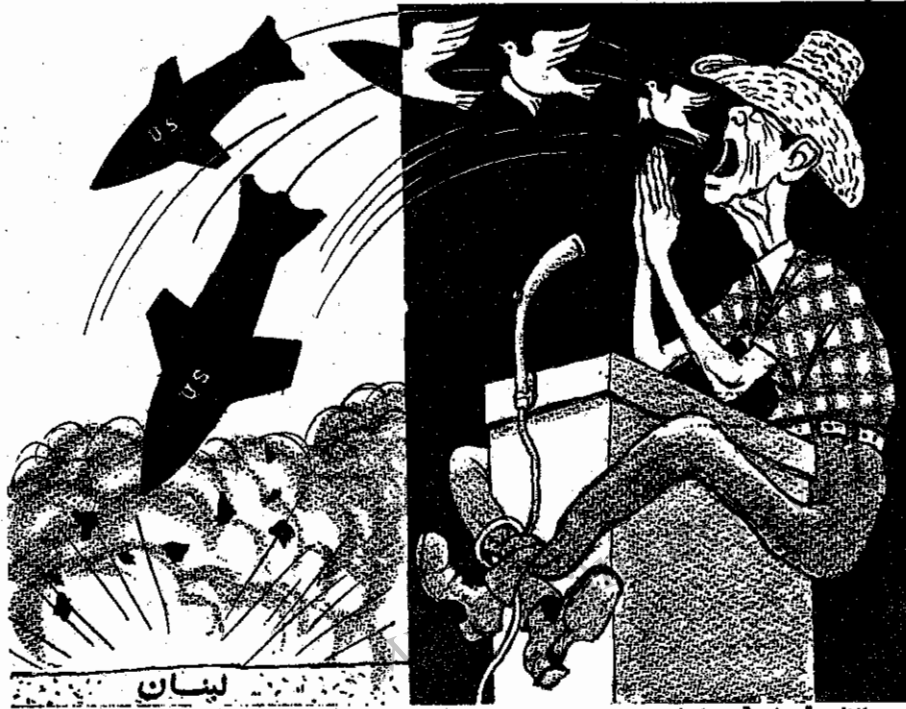
و منطقه بارها خواستار آن شده اند تا تمام نیروهای امپریالیستی مستقر در لبنان، خاک این کشور را ترک گویند و حق تعیین سرنوشت و استقرار قطعی صلحی پایدار را به مردم لبنان پس بدارند. بر سر ناآرامی ها و وقایع ناگواری که در این کشور تکه تکه شده اتفاق می افتد، تنها و

در هفته گذشته، ساختمان قرارگاه نیروهای آمریکائی و فرانسوی سپاه به اصطلاح صلح مستقر در لبنان، با دو بمب قوی با خاک یکسان شد. در نتیجه این انفجار، عده زیادی از تنگداران آمریکائی و سربازان فرانسوی کشته شدند.

مخالف گوناگون جهان، در رابطه با این انفجار، عکس العمل های متفاوتی بروز دادند، برخی با توجه به این رویداد خواستار آن شدند، که دو کشور آمریکا و فرانسه، سیاست خود را در قبال لبنان مورد ارزیابی دوباره قرار دهند. برخی دیگر، بویژه محافل جنگ طلب آمریکائی، خواستار آن شدند، که این کشور نقش ویرانگر خود را در لبنان بگونه ای موثرتر و جدی تر ایفا کند. ریگان اعلام کرد؛ ارتش آمریکا به عملیات تلافی جویانه ای دست خواهد زد.

وزیر امور خارجه فرانسه و دیگر محافل امپریالیستی نیز اعلام کردند؛ این اقدام گامی است علیه برقراری صلح در لبنان و اینکه گویا این نیروها به منظور استقرار صلح در بیروت مستقر بوده اند.

اما همه، بویژه مردم لبنان و منطقه به خوبی می دانند که این عملیات و اقدامات مشابه آن، آن اندازه تعیین کننده نیستند، که صلح در لبنان را به خطر اندازند، بلکه این تجاوز نظامی اسرائیل به لبنان، آشغال بخشی از آن و حضور نظامی آمریکا، فرانسه، ایتالیا و انگلستان است که صلح را در این کشور بر هم زده است. مردم، نیروهای مترقی و صلحدوست لبنان



لبنان

مخالفان "صلح" در لبنان

صحنه سیاست و اقتصاد این مملکت "بازگشته اند" می کوشند با ایجاد میدان خالی از حریف، هرچه اراده کنند به سرانجام برسانند و چنان انتقامی از مردم محروم و پای بند به منافع انقلاب خواهند کشید که چنگیز و محمد رضا - این قدره بندان تاریخ - در مقابلشان "رحیم" جلوه کنند.

های انقلاب انتقام می گیرند، اما کسی به داد آنها نرسیده است. من از پشت این تریبون، به شورای عالی قضایی اعلام می کنم که اگر دادگستری در فکر این باشد که نیروهای انقلاب را بزند آن بیاندازد و به پدر شهید بگوید، ریشش را بتراشیده این دادگستری بسته باشد، والله به نفع صلح انقلاب است.

وی در پایان به روندی که انقلاب را به انحراف و مسخ کشانده اشاره کرده می گوید: "یعنی روند به يك طرفی کشیده می شود که آن روند مایوس کننده" نیروهای انقلاب و رشد دهند" انقلاب و رشد دهند" کدخداهای منطقه، قدرتمند های دیروز است."

این تنها، نمونه ای از خیل عظیم اقدامات ضد مردمی سرکوبگران ج ۱۰۱۰ است که در لباس "شرح" حماقتی ساخته و بر سر انقلاب می کوبند. آنها که راه چاره را در بازگشت به گذشته سیاه می دانند، از مردم می خواهند که از انقلاب توبه کنند و سه سه بار غلط کنند و دیگر اسم انقلاب و تحول را هم نیاورند! بی تردید، کسانی که "با تشکل جدیدی به

## در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲ بعد از انقلاب، با همدستی ارگانهای انتظامی فتودالها به منطقه بر می گردند و خدا گواه است در ده کوه ای که هنوز جاده ندارد، زنان مردم را به رقص وامیدارند. آیا این هشدار برای ما نیست؟ آیا اینها همان چیزهایی است که مثلا جنگ بر ما تحمیل کرده است؟

وی می افزاید: "اینها را من با استناد می گویم. اربابی که تا چهار سال پیش پر نمی گشت، اکنون با مأمور انتظامی به این صحنه آمده است. می شود جلوی اینها را گرفت؟ ما نمی توانیم این انحرافات را به گردن جنگ بیاندازیم."

و آنگاه در بخش دیگری از سخنان خود نمونه دادگستری ها را مثال آورده، می گوید: "در رابطه با دادگستری عرض کردم تمام ارگانهای انقلابی به شورای عالی قضایی شکایت کرده اند و گفته اند؛ اینها دارند از نیرو و

## نامه خوانندگان

رفیق عزیز آیدین، نامه شما همراه کلمات پستان بدست ما رسید.  
دوست عزیز از خلیج، شعر شما به زبان بلوچی به دست ما رسید.  
دوست گرامی، هزار شمال، شعر شما که به رفیق حسن حسین پور تبریزی تقدیم کرده بودید، به دست ما رسید.

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

# دردفاع از انقلاب و حقوق جوانان بیاخیزیم

بقیه از صفحه ۱۱

اقتصادی کشور در اختیار کسانی است که در غرب تحصیل کرده‌اند و در موا ردهی حتی چند ماه پیش از این در دانشگاه‌های آمریکا و انگلیس ظاهراً به تحصیل اشتغال داشتند .

سیاست محرم ساختن جوانان کشور از تحصیل در دانشگاه‌ها و مدارس عالی پس از باصلاح بازگشایی دانشگاه‌ها نیز هم چنان ادامه دارد . عملاً کسانی می‌توانند به دانشگاه‌ها راه یابند که آمادگی بی‌چون وچرای خود را در پذیرش سیاست‌شمرین و راستگرایان به تأیید آنان رسانده باشند . راست‌آنست که برپایه یک نظام تفتیش عقاید قرون وسطایی با استعدادترین دانشجویان در معترض اخراج دائمی از دانشگاه‌ها و مدارس عالی قرار دارند . علاوه بر این در ایسن عرصه نیز خالی کردن دانشگاه‌ها از استادان مجرب و مؤمن به انقلاب آموزش عالی کشور را با بحران عمیقی روبرو کرده است که کارکرد موثر دانشگاه‌ها بویژه در رشته‌های علمی و فنی برای چندسال آینده غیر ممکن به نظر می‌رسد . اضافه بر اینها ممنوعیت دختران از تحصیل در چندین دانشکده تا کنون رسماً اعلام شده است . فضایی که در دانشگاه‌های کشور بعد از بازگشایی اخیر حاکم است خود داستان بدون شرح است . در اینجا نیز جو ارباب و تفتیشی عقاید ، چاپلوسی و تعلق و اشاعه باورهای ضد علمی حاکم است . وضعیت اسفبار آموزش عالی کشور باعث شده که کاروان بزرگی از جوانان کشور حتی با اندک بضاعتی بقصد ادامه تحصیل راهی کشورهای امپریالیستی شوند و در حقیقت در قرار سرنوشتی نامطمئن در پی " سرنوشتی نامعلوم " به خارج از کشور بگریزند ! اینست کارنامه درخشان !! ستاد انقلاب فرهنگی که آقای رئیس جمهور برای جلوگیری از فسوران اعتراضات مردم و جوانان انقلابی و ترقیخواه ، اصلاح‌رادر ترمیم صوری آن دانسته‌اند . در زمینه مسائل مربوط به ورزش جوانان و نوجوانان نیز نه تنها گام علمی موثر در جهت همگانی کردن ورزش برداشته نشد ، بلکه در نتیجه عملکرد سیاست‌های قشری و تنگ‌نظرانه محدودیت‌های تازه‌ای در راه جلب و جذب جوانان به ورزش فراهم آمده است . از جمله ورزش بانوان با بی‌اعتنایی مستمر به فراوانی و رکسود کشیده شده و دختران جوان و نوجوان از پرورش و بروز استعداد‌های خود در میادین ورزشی محروم مانده‌اند . ناگامی‌های چشمگیر در مسابقات و میادین بین - المللی جلوه دیگری از سرنوشت غم‌انگیز و اسفبار ورزش کشور است که نمی‌توان آنرا نادیده گرفت .

آنچه که بر شمریم مظاهری از روندی است که اکنون همه هستی انقلاب را در معرض نابودی قرار داده است . روندی که اساسی‌ترین مشخصه آن غلبه خط راستگرا در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است که از غارتگری بی‌بند و بار سرمایه داری و بزرگ‌مالکی دفاع می‌کند و دست در کار بازسازی و گسترش مناسبات پامپریالیست‌ها از جمله شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار است .

## دانش آموزان ! دانشجویان ! جوانان زحمتکش !

سازمان جوانان فدائی خلق ایران ( اکثریت ) حل مسائل جوانان کشور را جدا از راه حل بیرون رفتن انقلاب از بحران کنونی نمی‌داند . بنظر ما پاسخگویی به نیازهای انقلابی توده جوانان کشور و تأمین حقوق آنان در گروی سد کردن پیشروی امپریالیسم و راستگرایان و افشای " طرد خط راستگرای مدافع سرمایه داری و سازش با امپریالیسم در مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است . قیسل از هر چیز در سال تحصیلی جدید نوجوانان و جوانان مدافع انقلاب را دعوت می - کنیم که صرفنظر از تفاوت در معتقدات سیاسی ، مذهبی و نظرگاه‌های فلسفی در دفاع از انقلاب و حقوق جوانان متحد شویم . ما می‌طلبیم که در راه اجرای اصول مردمی و ترقیخواهانه قانون اساسی که متضمن تأمین حقوق ما نوجوانان و جوانان نیز هست مبارزات خود را گسترش دهیم . ما از همه جوانان زحمتکش ، انقلابی و ترقیخواه میخواهیم که بپرامون سازمان‌های پیشاهنگ خود ، سازمان جوانان فدائی خلق ایران ( اکثریت ) و سازمان جوانان توده ایران صفوف خود را فشرده‌تر سازند و در دفاع از انقلاب و حقوق جوانان بیاخیزند ! جنبش دوکراتیک جوانان که در راه تأمین حقوق خود می‌رزمد جزئی از جنبش انقلابی توده‌های میهن‌ماست . ما از همه نوجوانان و جوانان کشور می‌طلبیم که پیوند‌های خود را با جنبش انقلابی کارگران و دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش که همرا خواهان مبار غارتگری سرمایه داری و نابودی بزرگ مالکی هستند استحکام بخشند . توده‌های دهسای میلیونی مردم زحمتکش میهن مان خواستار انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی یعنی خواستار اجرای اصول مردمی قانون اساسی‌اند و می‌خواهند حقوق مردم و آزاد یهای مصرحه در قانون اساسی رعایت و تأمین گردد ، ما از توده نوجوانان و جوانان کشور می‌طلبیم که از خواست‌های بی‌رحم توده‌های دهسای میلیونی زحمتکش شهرها و روستاها پیگیرانه دفاع کنند و قاطعانه از مبارزاتشان پشتیبانی بعمل آورند و از این طریق در راه جلب پشتیبانی آنان از جنبش

دوکراتیک جوانان مجدانه بکوشند . سازمان جوانان فدائی خلق ایران ( اکثریت ) ، همه دانش آموزان دانشجویان و جوانان زحمتکش میهن را به مبارزه متحد و متشکل در راه تحقیق خواسته‌های زیر فرا می‌خواند :

۱- اصل سی‌ام قانون اساسی اشعار می‌دارد " دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفائی کشور بطور رایگان گسترش دهد " ما براین پایه خواستار اجرای بدون خدشه اصل " تحصیل رایگان و همگانی " هستیم و می‌طلبیم که بدون درنگ همه قوانین و مصومه‌های مغایر با این اصل ، از جمله محدودیت تحصیل دختران ملغی گردد و اقداماتی که با روح اصل سی‌ام قانون اساسی مخالف است متوقف شود .

۲- پرداخت کمک هزینه تحصیلی به نوجوانان و جوانانی که از بضاعت مالی ناچیز برخوردارند ، ایجاد امکالی ورود به مدارس و دانشگاه‌ها برای فرزندان کارگران و دهقانان کشور و فراهم آوردن امکانات لازم سوادآموزی و کسب مهارت های فنی برای کارگران نوجوان و جوان .

۳- اصل ۱۰۴ قانون اساسی بر تشکیل شوراهای مرکب از نمایندگان اعضای واحد های آموزشی بمنظور مشارکت در اداره این واحدها تأکید دارد ، طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی شوراهای مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با شرکت نمایندگان واقعی دانش آموزان و دانشجویان باید تشکیل گردد . ما خواهان تشکیل و تحکیم اینگونه شوراهای هستیم و می‌طلبیم که کلیه قوانین ، آئین نامه ها و مصوباتی که در مخالفت با مادلل این اصل تنظیم شده و هدف آن حذف دانش آموزان و دانشجویان از صحنه می‌باشد ملغی اعلام گردد .

۴- بموجب اصل ۲۶ قانون اساسی دانش آموزان و دانشجویان حقوق آنها دارند که برای دفاع از حقوق صنفی خود در انجمن های صنفی دانش آموزی و دانشجویی متشکل شوند . ما خواستار اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی هستیم .

۵- اصل ۲۳ قانون اساسی می‌گوید " تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان بصرف داشتن عقیده‌های مورد تعرض و مواخذه قرار داد " . بموجب این اصل شرط تحقیق و تجسس در زندگی و تفتیش در عقاید اشخاصی که آماده ورود به دانشگاه‌ها و مدارس عالیند ، امری مخالف قانون اساسی است . ما بر پایه این اصل خواستار متوقف شدن کلیه سیاست‌هایی هستیم که در محیط های آموزشی کشور بر خلاف اصل ۲۳ قانون اساسی صورت گرفته و می‌گیرد .

۶- خلقی های غیر فارس و اقلیت های قومی کشورمان حق دارند که از میراث فرهنگی و قومی خاص خود برخوردار باشند . فرزندان آنها باید بتوانند در دوره ابتدایی همراه با آموزش زبان فارسی ، زبان مادریشان را فرا بگیرند و به زبان مادریشان آموزش ببینند .

۷- تشکیل دوره‌های کوتاه مدت و فشرده رایگان بویژه در رشته‌های صنعت ، کشاورزی ، ساختمان ، تعمیر ماشین آلات و بهداشت عمومی ، برای دیلمه‌های بیکار به منظور آموزش حرفه و فن به آنان .

۸- گسترش فعالیت های ورزشی و ایجاد امکانات برای فعالیت های هنری از راههای مقابله جدی با فساد و انحرافات اجتماعی است . برای رشد شخصیت و سلامت تن و روان کودکان ، نوجوانان و جوانان گسترش فعالیت های ورزشی و ایجاد امکانات برای فعالیت های هنری ضروری و لازم است . باید این امکانات در محل های زندگی ، مدارس و دانشگاه‌ها و مدارس عالی ایجاد و گسترش یابند .

## جوانان پیشرو ، ترقیخواه و انقلابی !

جنبش دوکراتیک جوانان با توجه به گستردگی کمی ، شور انقلابی بی‌کران و رزمندگی گرد انبهای پیشاهنگش ، در دفاع از انقلاب و دستاورد های آن مسئولیت سنگینی بعهده دارد . در هر کجا که کار می‌کنید ، درس می‌خوانید و زندگی می‌کنید با تمام نیرو در راه گسترش و تحکیم پیوندتان با مردم زحمتکش و در رأس آن پسا کارگران و دهقانان بکوشید . باید امروز در هر کجا هسته متشکل و متحد شما محور تشکل و اتحاد عمل تمامی جوانانی باشد که در دفاع از انقلاب و تحقق آسماج های آن آماده مبارزه‌اند و برآنند تا در راه تأمین حقوق خود مبارزه کنند . فشرده‌گی صفوف این نیروها با هر مقیده و باور سیاسی که هستند البته کار آسانی نیست ، از خاطر تبریم که راه و اهداف ما روشن ، مقدس ، مردمی و انقلابی است و علمبرغم هر تلاش شقاوت آمیزی که برای مخدوش مصلحتن آن بعمل می‌آید تفاوت توده‌های دهسای میلیونی زحمتکشان و محرومان در اثبات حقانیت تاریخی ماست . تاریخ اینک از ما تلاش ، فداکاری ، پایداری و از خود گذشتگی فراوانی طلب می‌کند . ما با اطمینان سرآن داریم که در پیشگاه تاریخ به پشتوانه انجام شایسته مسئولیت های تاریخی خود با سرافراشته بایستیم و ... خواهیم ایستاد .

زننده بباد انقلاب  
سرگ پسر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکای

# از "نوید" بیاموزیم!

بقیه از صفحه ۹

پایداری تشکیلاتی سازمان " نوید " که به پایبندی مصمانه و قاطعانه آن به اصول تشکیلات غیر متمرکز مخفی بسته بود، آنرا در جریان رشد انقلاب به سازمان پیش آهنگی بدل ساخت، که در فکر و عمل راهگشا بود .

در این مورد در " سیر و گذشت سازمانی زیر زمینی " نوید " درباره اعلام آغاز انقلاب بهمن ۵۷ توسط آن چنین می خوانیم :

در پی طغیان گسترده قم که به خون کشیده شد، و قیام ۱۰۰ هزار نفری تبریز که رژیم را بهت زده کرده دیگر تردیدی نبود که انقلاب آغاز شده است. " نوید " این واقعیت را، که هنوز در بیسپاری از باورها نمی گنجید، برای اولین بار مؤدبه داد :

" وقتی يك خلق با چیدستی و سنگ و کلنج در گستره ای عظیم به جنگ تانک ها و مسلسلها می رود، وقتی شعارهای آزادی را با خون خود شعله می زند و مسرگه را برای تلاشی کردن آن زندگی گوسفندی و تحقیر آمیز، که می خواهند بدو تحمیل کنند می پذیرد، بی شک آن لحظه انفجاری فرا رسیده است که حکومت کنندگان بسه شیوه گذشته نتوانند ادامه دهند و حکومت شوتهندگان نخواهند مانند گذشته حکومت شوند " . ( نوید، ۱۶ اسفند ۵۶ )

پدید آمدن وضع انقلابی، وظایف نوینی را در دستور روز همه سازمان ها و احزاب سیاسی قرار می داد . تعیین درست ترین شعارها و بسیج توده ها بر محور این شعارها، که از درون واقعیات عینی و حرکت زنده مردم باید استخراج شود، حساس ترین وظیفه بود . " نوید " در این دوران، متلاطم، این شعارهای راهگشا را به میان توده برد .

درست در فردای خونین ۱۷ شهریور و برقراری حکومت نظامی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ بر اساس این برداشت که در شرایط کیفی جدید، تظاهرات وسیع خیابانی، که عده ترین اهرم مبارزه مردم بود، تا مدتی عملا ممکن نیست و برای مبارزه مسلحانه هم هنوز آمادگی توده های وجود ندارد و ابزار و لوازم کسار و زمینه های لازم تدارک نشده است . " نوید " به این نتیجه رسید :

" تنها يك راه باقی است، مؤثرترین راه : با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را علیه مردم در هم بشکنیم " . ( نوید، شماره ۴۴ - شنبه ۸ شهریور )

این شعار، در فضائی که قتل عام بیرحمانه مردم بی دفاع در ابعاد بی سابقه، خشم خلق را به بهت آمیخته بوده، پاسخی بود به سؤال ناگفته ای که بر لب ها و در چشم ها و دل ها موج می زد . شعار " اعتصاب عمومی " که کاملا زمینه عینی داشت، چون فیلته آتشی به انبار باروت افتاد . امواج اعتصابات یکی پس از دیگری فرا رسید . عظیم ترین کارزار خلقی علیه نظامیان براه افتاد و هر کارخانه، هر دانشگاه، هر مدرسه و اداره و محازه، هر واحد کار و عرصه فعالیت تجاری و ارتباطی و اقتصادی، به يك سنگر فعال بدل شد، و می دانیم که سرانجام همیسن نبرد همه گیر بود که ستون فقرات رژیم را شکست .

" نوید " يك هفته قبل از روی کار آمدن حکومت نظامی از هاری، از این توطئه برده برداشته و اعلام خطر کرده بود که :

" این میرغیب سر سپرده دربار مأمور اجرای توطئه ای ضد خلقی شده است "

جلاد تاجدار به هر قیمت در سودای در هم شکستن خلق است .  
به خاطر این مجاهدات بود که در گزارش هیأت اجراییه به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده، ایران، با این زبان از " نوید " و " نویدی ها " تجلیل شد :

" انتشار روزنامه " نوید " که ابتدا در ۱۰۰۰ نسخه و در هفته های اخیر در ۲۰۰ هزار شماره چاپ و منتشر شده است، تاثیر فوق العاده مثبتی در بالا بردن حیثیت حزب، در بردن افکار و نظریات حزب به میان قشر قابل توجهی از مردم و بویژه در میان کارگران و روشنفکران و دانشجویان داشته است . . .

گروه های متعدد دیگر به تجدید چاپ " نوید " در ۷۰۰ و ۱۰۰۰ و گاهسی ۲۰۰۰ نسخه اقدام کرده اند . برخی با فتوکی و بعضی دیگر با چاپ مقالاتی از " نوید " . . .

پیروزی انقلاب، اقتضای مبارزه زیر زمینی را که " نوید " از عرصه آن برآمده بوده، از میان برداشت . در آخرین شماره " نوید " که در ۲۶ اسفند ۵۷ منتشر شد، وداع گونه ای چنین به چاپ رسید :

" با انتشار هفتاد و سومین شماره، " نوید " به عرصه جدید تلاش و پیکار می پیوندد . انتشار نخستین شماره " مردم " ارگان مرکزی حزب توده، ایران، در شرایط فعالیت علنی تمامی احزاب و سازمانهای سیاسی، که به یمن انقلاب مردم سلحشور میهن ما بیار آمد، لزوم ادامه حضور " نوید " را، که پاسنگوی ضرورت مبارزه زیر زمینی بوده، از میان برداشت . " نوید " که طنینی از صدای مردم زهر بیغ و تسلیم ناپذیر ما و تنها نشریه منظم سیاسی داخل کشور در سخت ترین شرایط ترور و اختناق و سانسور بود، اینک بصورت شاخه ای به درخت در پینه مادر خویش ( روزنامه مردم ) جوش می خورد، زیرا خود از آغاز ریشهای سبز بر افراشته از انبوه ریشه های این درخت تناور بود . امید که هرگز در میهن ما آنچنان شرایطی تکرار نشود که ضرورت انتشار نوید و " نوید " های زیر زمینی را ایجاب کند .

## رفقا و هواداران حزب توده ایران در ایران

در این تردیدی نیست، که حزب ما، پس از یورش بریرمنشانه و فاشیستی ماههای اخیر - بار دیگر در مقابل وظیفه تجدید سازماندهی رفقا و هواداران خود در ایران قرارداد . تجربه پر بار حزب، در سالهای قبل از پیروزی انقلاب، در این زمینه گنجینه عظیمی است، که باید بطور خلاق، مورد استفاده و کار برد قرار گیرد .

از این رو ما، بار دیگر توجه رفقا و هواداران حزب را در ایران به اعلامیه مورخ ۱۲ - تیر - ۶۲ کمیته بیرون مرزی حزب، جلب می کنیم و آنان را فرا می خوانیم تا با ایجاد گروههای کوچک، با برقراری ارتباط زنجیره ای بر مبنای اصول کسار مخفی - هسته های مبارزاتی چنین دوران پر خفائی را ایجاد کنند و با استفاده از ابتکارات خود با کمیته بیرون مرزی حزب - نامه یا اسم مستعار، آدرس فرستنده نادرست، دوستان خود در خارج از کشور و غیره - تماس بگیرند .

تنها از این طریق و با استفاده از شیوه آرموده شده سازماندهی و کارمخفی است که ما، می توانیم همراه و همگام با یکدیگر، وظایف تاریخی خود را به سرانجام پیروز خود برسانیم !

## انقلاب فرهنگی، ارتجاع، جانشین . . .

بقیه از صفحه ۶

ببرند و از راه فرهنگ وارد شدند و ایمن راه خطرناکی است که امت اسلامی را تهدید می کند و اگر در مقابل این عمل خائنه ایستادگی نکنیم، نابود خواهیم شد .

آقای ربانی املشی این خائنه بودن ایجاد مدارس جدید را تأیید می کند و می گوید :

" خدایا چقدر بیدار بود و شاید کمتر کسی درک کرد آیت الله العظمی علامه نائینی چه می خواهد بگوید . شاید خیال می کردند آقا . . .

می گوید علم یعنی فقه و اصول و ادبیات عرب اما نه، ایشان خوب دانسته بود " ، استعمار در همه جا این نقش را بازی کرده است . بعد از آنکه وارد شده است يك " انقلاب فرهنگی " کرده است و فرهنگ يك کشور را می خواهد در اختیار خود بگیرد .

پس سردمداران ج ۱۰۱۰ هم بایسد يك " انقلاب فرهنگی " بکنند تا فرهنگ مردم ایران را در اختیار بگیرند . " انقلاب فرهنگی برای دوام و بقا " انقلاب اسلامی ضرورت داشت . . .

" انقلاب فرهنگی " مورد تأکید آقای املشی برای رویا روشی با " انقلاب فرهنگی " امپریالیسم نیست . هر دوی آنها دو روی يك سکه اند و به طبقات فارتگر خدمت می کنند . مردم ایران به هیچیک از آنها نیازی ندارند و خواهان آنچنان انقلاب فرهنگی هستند که فرهنگ ارتجاع و امپریالیسم را یکباره کنار بگذارد و مردم ما را برپایه دستاوردهای دانش و فرهنگ پیشرو تمام جامعه انسانی، در سراسر کره زمین بسوی بهروزی و خوشبختی راهنما شود .  
اینگار بدست آقای ربانی املشی و امثالهم امکان پذیر نیست . زیرا به حق از دانش و خرد وحشت دارند .

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



### احکام سنگین علیه کردهای ترکیه

دادگاه نظامی دیار بکر ترکیه - علیه ۲۱۳ تن از کردهای که به اتهام عضویت در حزب کارگری کردستان ترکیه محاکمه می شدند، احکام سنگینی صادر کرد. ۴۰ تن از متهمان، محکوم به مرگ، ۱۷ تن، به زندانهای طولانی از ۱۰ تا ۳۶ سال و ۶۸ تن، به زندانهای کمتر از ۱۰ سال محکوم شده اند.

دادگاه نظامی دیار بکر، تا پیش از تشکیل محاکمات اخیر، برای ۵۷ مبارز کرد نیز، رأی محکومیت صادر کرده بود. اکنون ۸۹ تن، به تعداد محکومین افزوده می شود. کردهای ترکیه ۴ سالهای طولانی است که در این کشور، برای کسب حقوق ملی خود پیکار می کنند ولی حاکمان ترکیه حتی از به رسمیت شناختن اقلیت کرد در مناطق مرزی کشور خود امتناع می ورزند و آنانرا "ترکهای کوهستانی" می نامند!

### عمال سیا و موساد با نقاب "اسلامی"

هفته گذشته در شهر طرابلس، واقع در لبنان، گروهی عناصر مسلح که خود را "جنبش اتحاد اسلامی" معرفی می کردند به مقر حزب کمونیست لبنان و خانه های اعضای حزب در این شهر حمله کردند و عده زیادی از کمونیست ها را کشتند. سر نخ این حمله "خانانه به کمونیست های لبنان" که همواره به منافع اساسی خلقهای عرب وفادار بوده اند و هستند، بدین ترتیب در دست سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا "سیا" سازمان جاسوسی اسرائیل "موساد" بوده است که پیوسته می کوشند به اختلافات و درگیریهای مسلح داخلی در لبنان دامن بزنند تا مردم لبنان را از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع منحرف سازند.

### لغو ممنوعیت

### حزب کمونیست سریلانکا

بد نیال حوادث خونین چند ماه گذشته، دولت سریلانکا، حزب کمونیست این کشور را متهم کرد که گویا در برانگیختن درگیریهای میان گروه های متخاصم ملی دست داشته است و بدین جهت آنرا غیر قانونی اعلام نمود. اکنون موافق تصمیم دولت، این ممنوعیت لغو شده و رفیق سیلوا، دبیر کمیته مرکزی حزب

کمونیست سریلانکا و برخی از دیگر رهبران حزب، که به دنبال اعلام غیر قانونی شدن آن بازداشت شده بودند، از زندان آزاد گردیدند.

طی چند ماه اخیر محافل اجتماعی سریلانکا، اعتراضات گسترده ای علیه این اتهام دروغین دولت، سازمان داده بودند. همین اعتراضات پر دامنه بود که دولت را واداشت تا در تصمیم خود تجدید نظر کند.

### دستها از نیکاراگوئه کوتاه

دانیل ارتگا، هماهنگ کننده شورای رهبری دولت نیکاراگوئه، طی خطبهای به مردم این کشور اطلاع داد که امپریالیسم آمریکا تصمیم دارد مستقیماً در نیکاراگوئه دخالت کند. عملیات رزمی علیه این کشور را ستادی رهبری می کند که در آن نمایندگان سیا و فرماندهی بخش جنوبی ارتش آمریکا شرکت دارند. بمنظور تدارک هجمه همه جانبه، سیا و پنتاگون، تعدادی هواپیمای نظامی در هندوراس و کستاریکا متمرکز ساخته اند تا از آنجا، نیکاراگوئه را بمباران کنند. اینک ایالات متحده آمریکا، مشغول تجدید آرایش گروه های مسلح مزدور است تا آنها را برای حملات جدید آماده سازد.

این توطئه ها، خشم و تنفر تمام زحمتکشان نیکاراگوئه را برانگیخته است. خلق نیکاراگوئه که خطر تجاوز مستقیم امپریالیسم را احساس می کند باز هم بیشتر بدور دولت انقلابی ساند نیشستی حلقه می زند. در این شرایط، فریادهای اعتراضی "دستها از نیکاراگوئه کوتاه" که در سراسر جهان طنین افکند، تحقق نقشه های جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا را سد می کند.

### تظاهرات گسترده "جنش صلح"

عملی مینی بر انجماد تعداد موشکها و خلع سلاح، کاهش تعداد موشکهای هسته ای میانبرد هر دو طرف، که استقرار این موشکهای مرگبار را غیر ضرور سازد، ارائه داده است. تمام کوشش اتحاد شوروی در مذاکرات خلع سلاح ژنو بر این است تا راههای عملی برای رسیدن به توافق با آمریکا پیرامون موضوعات مورد اختلاف یافت شود، که متأسفانه با پافشاری آمریکا بر مواضع جنگ طلبانه و نظامیکرایانه و برتری جویانه خود، تا کنون به نتیجه ای نرسیده است. اتحاد شوروی بارها آمادگی خود را برای کاهش یکجانبه تعداد جنگ افزارهای هسته ای خود، عدم پیشدستی در کار برد سلاح هسته ای، اعلام کرده است. اما آمریکا از پیروی از این سیاست اصولی و صلح دستانه اتحاد شوروی سر باز زده و بر نقشه های خود، مبنی بر استقرار موشکهای جدید میانبرد پافشاری می کند. اصرار آمریکا و تدارک مقدمات استقرار این موشکها مقاومت محافل مختلف اجتماعی در کشورهای اروپای غربی و آمریکا را شدت بخشیده و هر روز اقبال وسیعتری از مردم با شرکت در فعالیت های صلح طلبانه، مخالفت خود را با نقشه های جنگ افزوزانه امپریالیسم آمریکا اعلام می کنند. انجام این تظاهرات در اکثر کشورهای اروپای غربی و آمریکا و کشورهای سوسیالیستی نشانه مخالفت گسترده مردم، با نقشه های دیوانهوار و ماجراجویانه آمریکا است.

میلیونها نفر از شهروندان کشورهای مختلف با شرکت در این تظاهرات و فعالیت های مشابه، درخواست خود مبنی بر لزوم خلع سلاح، و حفظ صلح جهانی تأکید ورزیدند. این تظاهرات و فعالیت های توده ای، نشانگر رشد مقاومت اقشار و طبقات مختلف مردم جهان، در برابر نقشه های دیوانه وار امپریالیسم آمریکا و هم پیمانان ناتوی آن، برای استقرار موشکهای میان برد هسته ای در خاک کشورهای اروپای غربی است. تصمیم ناتو مبنی بر استقرار موشکهای پرشینگ ۲ و موشکهای کروزر در اروپای غربی، که خطر بروز جنگ هسته ای را افزایش داده و مسابقه تسلیحاتی را به مرحله کیفی جدید و خطرناکی می کشاند، قرار است در پاییز امسال عملی گردد و طبق گزارشات متعدد محافل صلح دوست در اروپای غربی، تدارک مقدمات استقرار این موشکها چیده شده. هدف آمریکا و هم پیمانان ناتوی آن، از استقرار این سلاحهای تهاجمی جدید، کسب برتری استراتژیک هسته ای بر اتحاد شوروی و ایجاد امکان برپائی "جنگ محدود هسته ای" و وارد کردن ضربه کاری به مراکز تصمیم گیری در اتحاد شوروی، به منظور مختل ساختن قدرت عمل این کشور است. استقرار این موشکها که از سرعت عمل و دقت نشانه گیری بسیار بالایی برخوردارند، خطر جنگ هسته ای را به مراتب افزایش می دهد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با توجه به این واقعیتها، بارها پیشنهادات

**کمک مالی به**  
**حزب توده ایران،**  
**یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در**  
**هایدلبرگ**  
**هزینه چاپ این شماره "راه توده" را**  
**تأمین کردند**

**RAHE TUDEH**  
No.  
Address: **Winfried Schwarz**  
**Markgrafenstr. 13**  
**6000 Frankfurt 90**

Price:	England	30	P.		
	West-Germany	Belgium	22	Fr.	
	1 DM	Italy	600	L.	
	France	3 Fr.	U.S.A.	40	Cts.
	Austria	8 Sch.	Sweden	3	Skr.

